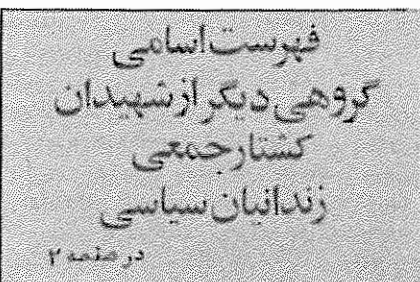


جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگ باد! ای جلاد مرگت باد!

از مبارزات ایرانیان مبارز و آزاده در کشورها و شعرهای مختلف گزارش‌های تازه‌ای در این هفته بدست ما رسیده است. آنها با امید به وجدان‌های بیدار کوشیده‌اند با سازماندهی حرکات افشاگرانه و بهره‌گیری از روش‌های متنوع، جهانیان را با بعد فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی آشنا نمایند. بی‌گمان این دوران مبارزات ایرانیان ترقیخواه یکی از پر دامنه‌ترین حرکت‌های است که تاکنون در خارج

ایران تداوم و گسترش اقداماتی را که آغاز شده است، طلب می‌کند.
در این شماره اکثریت گزارش بخش دیگری از اقدامات افشاگرانه ایرانیان مقیم خارج را در صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ می‌خوانید.



حکومتی تعیین شده است به پیش می‌برد. این هیات کار خود را از نیمه تابستان آغاز کرد. مطابق گزارش‌های رسیده بطور مثال در زندان اوین هفته‌ای چندبار اعضا و مأمورین این هیات سوار بر سه ماشین بنز مشکلی وارد زندان شده و اسامی تعدادی از زندانیان را می‌خوانند مأمورین این هیات بلافاصله آنان را تیرباران می‌کنند. تعدادی از زندانیان را در مقابل چشم دیگر زندانیان سیاسی به دار آویخته‌اند. تقریباً از

بقیه در صفحه ۲



دوشنبه ۱۹ دی ۱۳۶۷ برابر ۹ ژانویه ۱۹۸۹
بها ۶۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۰

اخباری از تبه‌کاری بی‌مرز جمهوری اسلامی در کشتار همگانی زندانیان سیاسی

هیچ نشانی از توقف کشتار همگانی زندانیان سیاسی توسط رژیم خونخوار جمهوری اسلامی در میان نیست. همچنان اخبار تازه، همچنان نام‌های تازه، هر زمان بر فهرست نام فرزندان دلاور خلق که در اسارتگاه‌ها بر خاک افکنده شده‌اند افزوده میشود. بر اساس اخبار دریافتی طی ماه گذشته در بند زنان زندان اوین ملاقات‌های محدود زندانیان با خانواده‌هایشان محدودتر شده است. مطابق روال طی شده در زندانهای مردان این نشانه گسترش کشتار زندانیان در زندان زنان است. هبای سیاه فقه‌ای جنایتکار سایه مرگ‌آفرین خود بر زندان‌ها را قلیظتر می‌کند. حاجی کربلایی مسئول پاسخ به خانواده‌های رجوع‌کننده به زندان اوین که برآستی خودبهترین نمود ماهیت و تمامیت جمهوری اسلامی است، اعلام کرده است: "سه بند شامل ۱۲۰۰ نفر را در اوین آب و جارو کرده و در هایش را بسته‌ایم." مسولین کمیته خاوران خطاب به خانواده‌های زندانیان سیاسی ابراز کرده‌اند: "۸۶۴۰ نفر را کشته‌ایم چون آدم نشدند."

همانگونه که قبلاً گزارش کردیم، قتل‌عام زندانیان سیاسی را هباتی ویژه که مستقیماً از سوی شخص خمینی و مسئولین طراز اول

یاد شهیدان به خون خفته خلق جاودان باد!

در قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران گروه کثیری از فداییان خلق جان باختند. رفیق صداسلامی عضو کمیته مرکزی، رفیق محمدحسن دیانک شوری عضو مشاور کمیته مرکزی، رفیق حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی و عده بسیاری از دیگر کادرها، اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به خون در فلتیدند.

نشریه اکثریت با معرفی شهیدان فدایی می‌کوشد خوانندگان خود را با فرازهایی از زندگی این دلیران آشنا سازد. در شماره ۲۳۸ فشرده‌ای از زندگینامه چند فدایی شهید آمده بود. در این شماره مختصری از زندگینامه رفقا صداسلامی، محمدحسن دیانک شوری، پیروز احیا و سعید کاظمی می‌خوانید.

در صفحات ۶، ۷، ۸، ۹

در این شماره

بلاخره "مصلحت" جمهوری اسلامی چیست؟

بیانیه سازمان عفو بین‌الملل موج اقدام‌های سیاسی در ایران

در صفحه ۳

هشتمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا کشتار زندانیان سیاسی ایران را محکوم کرد

در صفحه آخر

گرانی طاقت‌فرسا

در صفحه ۵

شورای نگهبان اختلاف است به‌همان صورتی که در آئین نامه مصوب آن مجمع درج شده بود عمل گردد.

خمینی در ادامه پیام خود به اعضای فقیه شورای نگهبان "تذکر پدران" کرده است که "خودشان قبل از هر چیز مصلحت نظام را در نظر بگیرند." وی افزوده است "این بحث‌های طلبگی مدارس... ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض واقعی قانون اساسی می‌گردد." در حدود یک ماه پیش از این، عده‌ای از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به خمینی نوشته بودند که "مجمع تشخیص مصلحت" که نخست قرار بود نقش داور در اختلافات مجلس و شورای نگهبان را ایفا کند، عملاً به قانون‌گذاری پرداخته است. آنها از خمینی خواستند که این مشکل را حل کند و وی وعده داد که "در چارچوب قانون بقیه در صفحه ۵

نزدیک به یک سال پس از تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت"، خمینی در روز یازدهم دی‌ماه اختیارات این مجمع را از آنچه تاکنون وجود داشته است، محدودتر کرد. خلیفه چهارم، در پیامی به اعضای این مجمع نوشت "از آنجا که وضعیت جنگ به صورتی درآمده است که هیچ مسئله‌ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع مطرح گردد لازم می‌دانم نکاتی را متذکر گردم." نکات مورد اشاره خمینی از این قرارند:

۱- آنچه که تاکنون در مجمع تصویب شده است، به قوت خود باقی است.

۲- آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب نماید.

۳- پس از آن تنها در مواقعی که بین مجلس و

اخباری از تبهکاری بی مرز جمهوری اسلامی در کشتار همگانی زندانیان سیاسی

بقیاد از صفحه اول

بیچکدام از زندانیان اعدام شده که وسائلشان به خانواده‌هایشان تحویل داده شده است و صیقلنامه‌ای حتی تکه پاره شده و سانسور شده مانند تپل بجانمانده است که این خود نشانگر انجام اعدام‌های ناگهانی و فوری است، زندانیان را در گورهای جمعی دفن کرده‌اند. برخی از اجساد در یخو پیچیده شده و دفن شده است. برخی از وسایل و حلقه‌های ازدواج زندانیان تیرباران شده بهنگام تحویل همچنان خونی بوده‌اند. در مقابل پرسش‌های مکرر خانواده‌ها مامورین زندان گفته‌اند که اعدام شدگان با بیرون از زندان ارتباط داشته‌اند و نه تنها در مدت اسارت هوش نشده‌اند بلکه برآه‌آمدگان را نیز همراه کرده‌اند. پلیدی ایادی خمینی را حدی نیست آنان حساب شده و طرح‌ریزی شده خانواده‌های

اهدام شدگان را شکنجه می‌کنند. به‌هنگام تحویل آخرین یادگارهای شهید در خون تپیده خلق، بهنگام پاسخ دادن به خانواده‌های جویای خبر، به‌هنگام اعلام خبر اعدام، با سر دوانیدن و در بیم و اضطراب نگهداشتن، به شک و تردید انداختن خانواده‌ها در مورد کشته شدن عزیز خود پس از اعلام خبر اعدام و حتی دریافت باقیمانده وسایل برای جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت و... خانواده‌های شهدا به ده‌ها شکل تحت شکنجه روانی قرار داده می‌شوند. اخاذی از خانواده‌های شهدا نیز رواج دارد. علاوه بر درخواست پول برای ارائه خبر، برای گفتن نشانه‌ای کلی از محل دفن و درخواست مخارج تیرباران می‌کنند. در مواردی دیده شده است که از خانواده‌ها درخواست مخارج معالجه دندان فرد زندانی را کرده‌اند (مبالغی بین ۱۰ تا ۳۰ هزار تومان) و پس از

دریافت مبلغ مزبور به آنان اطلاع داده‌اند که عزیزشان در زیر خاک خفته است.

مبارزات جمعی خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهیدان به رفم تمامی فشارها ادامه دارد. یکی از پر نمودترین حرکات اخیر، تظاهراتی بود که توسط گروهی از بستگان شهیدان و زندانیان از برابر کاخ دادگستری در تهران آغاز گردید. در اوایل ماه جاری بیش از دویست تن از این دافداران با اجتماع در برابر کاخ دادگستری خواستار توقف جنایات در زندانها و کسب آگاهی از سرنوشت عزیزان در بند خویش گردیدند. این حرکت در آن مکان پر از دحام تاثیر افشاگرانه عمیقی برجای گذاشت. اعضای خانواده‌ها سپس تصمیم به راهپیمایی بسوی مجلس شورای اسلامی در خیابان سپه گرفتند. به این ترتیب تظاهر کنندگان به حرکت در آمدند

و در اطراف پارک شهر هده آنان از ۵۰۰ تن گذشت. حرکت صفی از مادران و پدران دافدار و دردمند، در خیابانهای مرکزی تهران در همان فاصله کوتاه باعث ژرفترین احساسات همبستگی مردم رهگذر گردید. ارگانهای سرکوب رژیم از ترس گسترش دامنه آن و تبدیل آن به یک تظاهرات مردمی بلافاصله وارد عمل شدند و پیش از آنکه صف تظاهر کنندگان از خیابانهای اطراف پارک شهر دور شود و به مجلس برسند، به آنان یورش بردند. مزدوران با خشونت بیسابقه‌ای به ضرب و شتم راهپیمایان پرداختند و هده‌ای را دستگیر کرده و به زندان منتقل ساختند.

شمار این عزیزترین فرزندان خلق که در کشتار همگانی زندانیان سیاسی به زیر خاک فرستاده شده‌اند همچنان فزونی می‌یابد. ما در شماره گذشته نام ۴۴۰ تن از قربانیان فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی را منتشر

فهرست اسامی گروهی دیگر از شهیدان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

۴۷۱- زمانی (حزب توده ایران)	۴۴۱- دکتر خلیل ابرقویی (حزب توده ایران)
۴۷۲- محمود زندی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۴۲- ناصر اخوان اقدم (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۴۷۳- عباس سرهمندیان	۴۴۳- اسفندیاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۷۴- مهری سلاخی (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)	۴۴۴- احمد انصاری
۴۷۵- سیاوش پور	۴۴۵- ستار بایانژاد
۴۷۶- احمد صالحی	۴۴۶- محمد باقی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۷۷- بهرام طاهری پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۴۷- زینب باقری (سازمان مجاهدین خلق)
۴۷۸- سعید طباطبایی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۴۸- اسماعیل بحرینی
۴۷۹- فضیلت علامه	۴۴۹- دکتر بیژن (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)
۴۸۰- فیور	۴۵۰- امیر مهران بی شم (سازمان مجاهدین خلق)
۴۸۱- حسن قاسمی پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۵۱- (بهرام) پرتوی (حزب توده ایران)
۴۸۲- جواد قائم‌آبادی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۵۲- محمد پور هر مزان (حزب توده ایران)
۴۸۳- رضا تریخی لنگرودی (رزمندگان)	۴۵۳- ابراهیم توکل (سازمان مجاهدین خلق)
۴۸۴- محمد کوسه چی (سازمان مجاهدین خلق)	۴۵۴- فریبا چنگیزی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۸۵- کوروش کیلاشکی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۵۵- محسن مسین نژاد
۴۸۶- سیمیندخت کیانی دهکردی (سازمان مجاهدین خلق)	۴۵۶- محمود حسینی
۴۸۷- صمدکی خواه (سازمان مجاهدین خلق)	۴۵۷- ناصر حلیمی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۸۸- میرزاگودرزی (سازمان مجاهدین خلق)	۴۵۸- محمد تقی خاشع (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۸۹- لامعی (حزب توده ایران)	۴۵۹- مهر داد خسروی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۹۰- مسن لنگرودی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۶۰- شهریار خلیلی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۹۱- هیدالاجده محمودی فر (سازمان مجاهدین خلق)	۴۶۱- حمید خواجه‌گیری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۹۲- حمیدرضا مفرد طاهری (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)	۴۶۲- دادمرزی (حزب توده ایران)
۴۹۳- عباس پور ساحلی (سازمان مجاهدین خلق)	۴۶۳- اشرف دانشگر (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۹۴- محمد مرتضوی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۶۴- هلی رضا دولتی (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)
۴۹۵- کیوان مصطفوی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۶۵- سعید دین خواه (راه‌کارگر)
۴۹۶- کریم نادری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۶۶- راستاک (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۴۹۷- نظر نظیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق)	۴۶۷- رجب پور (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)
۴۹۸- صبا نظیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق)	۴۶۸- بهزاد رشیدی
۴۹۹- بهرام نیک‌آفرین (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	۴۶۹- محمود رئیسی و همسرش زهره
۵۰۰- سید خلیل هوشیاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)	
۵۰۱-	

بیانیه سازمان عفو بین الملل

بزرگترین موج اعدامهای سیاسی در ایران از آغاز دهه ۸۰



در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۸، سازمان عفو بین الملل در اعتراض به موج اعدامهای اخیر در ایران، بیانیه‌ای منتشر کرد که خبر آن را در "اکثریت" شماره ۲۳۸ درج کردیم. مشروح بیانیه به دست ما رسیده است که کوتاه شده آن را می‌خوانیم:

"مقامات ایرانی بزرگترین موج اعدامهای سری سیاسی از آغاز دهه ۸۰ بدین سو را انجام داده‌اند.

دلایل اثبات کننده اعدامهای جمعی اکنون غیر قابل انکار است. شواهد، از منابع مختلف، از جمله بستگان زندانیان اعدام شده و موضعگیری‌های اخیر خود مقامات، آمده است.

سازمان عفو بین الملل اطلاعاتی دریافت داشته است که به موجب آن از ژوئیه، بیش از ۳۰۰ تن اعدام شده‌اند. اما تقریباً بطور حتم، این تنها "نوک کوه یخ" است و شمار کل واقعی، احتمالاً به هزاران بالغ می‌شود.

واقعاً هیچ کس نمی‌داند تاکنون چند نفر به قتل رسیده‌اند، کشتار کی پایان خواهد یافت و مرگ در نوبت بعدی به سراغ که خواهد آمد. نگرانی ما از این افزایش می‌یابد که هزاران زندانی سیاسی هنوز در ایران در اسارت بسر می‌برند و بسیاری از آنان که اخیراً اعدام شده‌اند، یا بدون محاکمه زندانی شده بودند و یا محکومیت‌های طولانی حبس پس از محاکمات غیر عادلانه را می‌گذراندند.

برخی دیگر از اعدام شدگان در موج اخیر، مظنونین به مخالفت سیاسی بوده‌اند که پس از گذراندن محکومیت خود در زندان ننگ داشته شده بودند و یا پس از آزادی از زندان سیاسی، دوباره دستگیر

شده بودند. بسیاری از زندانیان اعدام شده، در طول اسارت شکنجه شده‌اند...

کشتارهای مخفیانه در زندان‌های سراسر ایران، از جمله اوین و گوهردشت در تهران و در تبریز، مشهد و شیراز صورت گرفته‌اند.

مقامات در آفاق، اخبار حاکی از بدار زدن‌ها و تیرباران‌های جمعی را انکار می‌کردند، اما دیگر موضعگیری‌های هلنی مقامات ایرانی، از جمله علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، ظرف روزهای گذشته، این اخبار را تایید کرده است. شواهد، انکارناپذیر است. بسیاری از جزئیات مربوط به اعدام‌ها، توسط گروه‌های اپوزیسیون و بستگان نزدیک اعدام شدگان گزارش شده است. منابع، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود و اطلاعات داده شده از سوی آنها با یکدیگر مقابسه شده است.

از جمله این بستگان، زنی است که در اوت ۱۹۸۸، هنگام جستجوی پیکر شوهرش در گورستان جاده خاوران تهران، در زیر خاک به جسد یک مرد اعدام شده برخورد کرده است. این گورستان را "لعنت آباد" نام نهاده‌اند.

این شاهد عینی به عفو بین الملل گفته است: "گروه‌های اجساد - برخی با لباس و برخی در کفن - در گورهای غیرهمیق بی‌نشانه، در بخشی از گورستان که به دفن زندانیان سیاسی چپ اعدام شده اختصاص دارد، چال شده‌اند." وی می‌افزاید:

"بوی تعفن اجساد آزار دهنده بود اما من می‌گو شیدم با دستان خودم خاک را بکنم زیر برای من و

دو کودک خردسالم مهم بود که بتوانم محل دفن شوهرم را پیدا کنم."

این زن می‌گوید صورت جسدی که کشف کرده است، پوشیده از خون بود و او ناچار شد آن را پاک کند تا مطمئن شود که شوهرش نیست. او نتوانسته است تا کسب اطمینان، به کندن ادامه دهد زیرا پاسداران در گورستان گشت می‌داده‌اند. چند روز بعد، سایر بستگان وی که به گورستان رفته بودند، گور شوهرش را برای وی شناسایی کرده‌اند.

این زن می‌گوید: "وقتی فهمیدم کجاست، دیگر می‌توانستم کشور را ترک کنم." شوهر او، همو یک گروه کمونیستی و یک زندانی سیاسی در زمان شاه سابق، در اوایل ۱۹۸۵ بازداشت شد، ماه‌ها تحت شکنجه قرار گرفت و پس از یک محاکمه کوتاه که در آن در نتیجه شکنجه، حواس او سر جای خود نبود، محکوم شد و هیچگاه فهمید به چند سال زندان محکوم شده است.

در اوایل اوت، همسرش برای نوبت هادی ملاقات به زندان اوین مراجعه کرد، اما به او گفتند که شوهرش به جای دیگری انتقال یافته است.

این زن می‌گوید: "دنیا برایم تیره و تار شد. روزهای زیادی به من اطلاعات ضدونقیض می‌دادند. سپس به من وصیتنامه او را دادند."

مقامات گورستان تأیید کردند که او اعدام شده است اما از ذکر محل دفن وی خودداری کردند.

این زن اکنون در خارج از ایران است اما مایل است ناشناخته بماند زیرا از پیگرد خانواده‌اش در ایران نگران است.

در میان سایر اعدام شدگان بطور مخفی در ماه‌های اخیر، دانش‌آموزان سابق هستند که در اوایل دهه ۸۰ به جرم پخش جزوات سیاسی یا اخلال در گردهمایی‌های سیاسی دستگیر شده‌اند. برخی از آنها علیرغم آنکه تنها به شش‌ماه زندان محکوم شده بودند، در زندان نگهداری می‌شدند.

یک دانش‌آموز سابق که اخیراً اعدام شد، بدون حکم یا محاکمه از هنگام دستگیری‌اش در ۱۹۸۲ که ۱۶ سال بیش نداشت، در زندان بود. برادر و برخی از بستگان او نیز اعدام شده‌اند. یک قربانی دیگر، هنگامی که در سال ۱۹۸۱ دستگیر شد، ۱۷ ساله بود. او به علت هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران به ۱۱ سال زندان محکوم شد...

ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان به مدت سه ماه قطع شد و کسب اطلاعات موثق از آنچه بر هزاران زندانی سیاسی در ایران می‌گذرد، با زهم دشوارتر گردید. با اینکه اعلام شده بود از اواخر اکتبر ملاقات از سر گرفته می‌شود، این امر تنها در موارد محدودی انجام شده است.

اعضای سازمان عفو بین الملل هزاران فراخوان برای توقف اعدام‌ها به مقامات ایرانی فرستاده‌اند. عفو بین الملل با مجازات اعدام در همه موارد به مثابه نقض حق زندگی و حق مصونیت از رفتار یا مجازات خشونت‌آمیز، مخالف است. عفو بین الملل به ویژه از فقدان شرایط محاکمه عادلانه زندانیان سیاسی در ایران و فقدان حق فرجام‌خواهی علیه احکام اعدام نگران است."

کلم‌های مالی رسیده

دانمارک

برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از کپنهاگ (ع خ)	۱۵۰ کرون
برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از کپنهاگ - کوچولو	۱۵۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ (ع خ)	۱۵۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ - خ ش	۱۲۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ - خ شمال	۳۶۰ کرون

هر نام را به یک پرچم تبدیل کرد. در این شماره نام و نشان جمع دیگری از اعدام شدگان اخیر را که برای ما روشن شده است در صفحه ۲ می‌خوانید.

ساختیم. علیرقم همه محدودیت‌های موجود و تمهیدات رژیم ما بر آنیم که نگذاریم نام هیچ شهید خلق برای خلق پوشیده بماند. جنایات و پلیسی جمهوری اسلامی را باید به چشم جهانیان آورد. باید

آمار خروج ایرانیان از کشور

روزنامه دولتی اطلاعات طی سلسله مقالاتی درباره چگونگی جذب متخصصان خارج از کشور، آمار ایرانیانی را که در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ به طور رسمی از کشور خارج شده‌اند، انتشار داده‌است. ارزیابی این آمار در ۸ سال متوالی بیانگر رشد فزاینده مهاجرت مردم به خارج از کشور است. طبق این آمار در سال ۵۷، نزدیک به ۵۸۸ هزار و ۹۵۷ نفر از کشور خارج شده‌اند، شمار خروج رسمی اتباع کشور در سال ۵۸، ۵۲۶ هزار و ۶۳ نفر، در سال ۵۹ تعداد ۲۹۷ هزار و ۶۵۲ نفر، سال ۶۰ تعداد ۱۳۳ هزار و ۴۱۹ نفر، در سال ۶۱ تعداد ۱۳۳ هزار و ۶۸۶ نفر، سال ۶۲ تعداد ۲۴۸ هزار و ۳۶۵ نفر، سال ۶۳ تعداد ۶۶۳ هزار و ۶۱۳ نفر، سال ۶۴ تعداد ۶۷۶ هزار و ۴۳۰ نفر و سال ۶۵ تعداد ۵۷۸ هزار و ۱۰۳ نفر بوده است. این عده باویزای هادی یعنی گذرنامه غیرتحصیلی، غیرزیارتی، غیر سیاسی و خدماتی از ایران خارج شده‌اند.

نرخ صادراتی فرش در جه یک ایران سقوط کرد

مرکز توسعه صادرات ایران تصمیم گرفت نرخ صادراتی فرش‌های دستباف درجه یک کشور را تا ۳۰ درصد کاهش دهد. در گزارش روابط عمومی مرکز توسعه اعلام شد که این اقدام بنا بر پیشنهاد کمیته توسعه صادرات و تصویب کمیسیون نرخ‌گذاری کالاهای صادراتی صورت گرفته و هدف از آن جلوگیری از خروج غیرمجاز فرش از کشور است.

فرش‌های نوع نائین، علا، قم ابریشم، اصفهان، کاشان تمام ابریشم، تبریز ۶۰۰۰۰، تبریز تمام ابریشم، تبریز ۵۰۰۰۰، اردبیل کف ابریشم،

روز پنجشنبه ۱۷ آذرماه در مسکو منعقد شد. محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با مطبوعات در زمینه سایر مفاد پروتکل مشترک ایران و شوروی گفت: بالا بردن توان تولید نیروگاه‌های رامین اهواز و نیروگاه اصفهان به میزان ۱۰۳۰ مگاوات، طرح توسعه و تکمیل ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن اصفهان که طی شش ماه آینده به ۱/۴ میلیون تن فولاد در سال خواهد رسید، همکاری در زمینه احداث خط آهن سرخس-مشهد توافق طرفین در زمینه تردد کامیون‌های ایرانی به باکو جهت انتقال کالاهای ایرانی به بنادر دریای سیاه و از آن طریق به کشورهای اروپایی، جزو یادداشت تفاهم دو کشور در یازدهمین اجلاس کمیسیون دائمی بوده است.

تغییرات سهمیه ارزی دانشجویان در خارج از کشور

از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصمیمات تازه‌ای در زمینه میزان ارز دانشجویان ایرانی شافل به تحصیل در خارج از کشور اتخاذ شد. براساس مصوبه جدید، میزان ارز دانشجویی برخی از کشورها افزایش یافته است. طبق این مصوبه ارز دانشجویان ایرانی در بریتانیا از ۲۵۰ پوند به ۲۷۰ پوند رسیده است. همچنین مقرری ارزی سهمیه همسفر دانشجویی از ۴۵ درصد به ۶۰ درصد و سهمیه فرزند دانشجو از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد تغییر یافته است. علاوه بر این، طرحی به مجلس ارائه شده که در صورت تصویب آن، نرخ ریالی ارز دانشجویان برابر ارزش دولتی خواهد بود. هم‌اکنون طبق تصمیمات سابق مجلس نرخ ریالی ارز دانشجویان دو برابر ارزش دولتی است که فقط شمار محدودی از دانشجویان ایرانی شافل به تحصیل در خارج از آن برخوردارند.

لایحه بودجه سال آینده به مجلس ارائه شد

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور روز یکشنبه ۱۱ دی ماه از سوی میرحسین موسوی نخست‌وزیر برای تصویب به مجلس ارائه شد. در لایحه دولت، هزینه‌های بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۸ در مجموع برابر ۳۸۵۶/۱ میلیارد ریال برآورد شده است که ۳۰۵۰/۹ میلیارد ریال آن به هزینه‌های جاری و ۸۰۵/۲ میلیارد آن به هزینه‌های عمرانی اختصاص دارد. طبق اظهارات موسوی بودجه سال آینده نسبت به بودجه سال ۱۳۶۷، تغییر جزئی کرده و در سال آینده هزینه‌های جاری دولت نسبت به سال گذشته بدون در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از جنگ، ۳/۲ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین در قسمت درآمدها در بودجه سال ۱۳۶۸، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافته و قرار است نیمی از درآمدهای بودجه از طریق اخذ مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم تامین شود.

لایحه بودجه تامین نیازهای جنگ چون بودجه سال‌های گذشته در اولویت قرار گرفته است. طی ۹ سال جنگ هر سال بیش از یک دوم بودجه دولت به طور مستقیم به هزینه‌های بلاواسطه جبهه‌ها اختصاص داده شده است. امسال نیز دولت اعلام کرده نباید انتظار داشت که اولویت‌ها، محدودیت‌ها، امکانات و مقتضیات سنگین بودجه در زمان جنگ از اولویت بندی بودجه سال ۱۳۶۸ کنار گذاشته شود.

رئیس‌جمهوری رئیس مجلس در دفاع از اولویت هزینه‌های جنگ در برنامه بودجه سال آینده می‌گوید: «ما هنوز در شرایط جنگ و نه صلح قرار داریم و تنها گلوله شلیک نمی‌شود و بقیه مخارج و هزینه‌ها به سر جای خود باقی است... آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که پس از پذیرش قطعنامه هیچ گشایشی در وضع مالی دولت به وجود نیامده است بلکه به علت امنیت در خلیج فارس، حجم صادرات نفت افزوده شده و لذا قیمت نفت کاهش یافته است.»

برای تخفیف کسری عظیم بودجه سال ۱۳۶۸، بسیاری از کارشناسان رژیم اخذ وام از کشورهای خارجی را الزامی می‌شمارند و عده‌ای از نمایندگان مجلس با استناد به اصل ۸۰ قانون اساسی رژیم آنرا مجاز می‌دانند.

بودجه سال ۱۳۶۸ پس از بررسی در کمیسیون برنامه و بودجه، پیش از پایان سال جاری برای تصویب نهایی در مجلس طرح خواهد شد. دولت موسوی قرار است بزودی یک برنامه عمرانی ۵ ساله نیز که هم‌اکنون در حال تدوین است برای تصویب به مجلس ارائه دهد.

از سرگیری صدور گازه شوروی

در یازدهمین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری‌های اقتصادی ایران و شوروی پروتکل صدور گاز ایران به شوروی امضا شد. براساس پروتکل مذکور، قرار است سالانه ۳ میلیارد متر مکعب گاز به شوروی صادر شود. این قرارداد



ولی هوای روزهای آخر هفته گذشته تهران بقدری سنگین و آلوده بود که چندمتری پیش پا هم به سختی دیده می‌شد. آیا در برابر این هوای کثیف هنوز هم باید سکوت کرد و به هشدارهای گاه و بیگاه و حرف‌سنده کرد؟

این تصویر هوای صبح چهارشنبه که نه خود هوای ۱۶ آذرماه تهران و روزهای قبل از آن است. فکر نکنید دوربین خراب بوده یا فیلم ایرادی داشته است، عکاس هم نهایت دقت و سعی خود را برای گرفتن عکس واضح بکار برده است

گرانی طاقت فرسا

گرانی، اخیرا با شدت بیشتری بیداد می‌کند. قیمت‌ها همدتا از دوره "پیش از قطعنامه" هم فراتر رفته و مردم را در برابر مشکلات بازهم بیشتر در تهیه حداقل مایحتاج زندگی قرار داده است. اقدام رژیم به آزاد کردن ورود کالاها با ارز آزاد، بهای ارز را به بالاترین حد آن در ماه‌های اخیر رسانده که این خود هلت دیگری برای افزایش قیمت‌هاست. اخبار رسیده، حاکی از سیر صعودی بلاوقته قیمت‌هاست. در زیر جدولی از بهای کالاها در ماه‌های آبان مشاهده می‌کنید. دو قلم آخری مربوط به ماه جاری است. (بریال) روغن نباتی ۴/۵ کیلویی ۱۲۰۰۰۰
فرش ماشینی ۱۲ متری ۲۵۰۰۰۰
چیت یک متر ۴۵۰
(بهای پیشین ۲۵ ریال بود)
گونی ساده یک متر ۶۰۰
مقال یک متر ۹۰۰
تندیک کیلو ۱۷۰۰
سبزی خوردن یک کیلو ۱۵۰
پرتقال یک کیلو ۲۳۰
نارنگی یک کیلو ۱۷۰
هدس یک کیلو ۵۰۰
یخچال ۱۱ فوت ۱۸۰۰۰۰
یخچال بزرگ ۱۱۰۰۰۰۰
گوشت با استخوان یک کیلو ۱۸۰۰
گوشت بی استخوان یک کیلو ۲۲۰۰
پنیر تبریز یک کیلو ۱۴۰۰
تخم مرغ هر عدد ۵۰
عدد استکان معمولی ۱۳۰۰
دفتر ۱۰۰ برگ هر عدد ۵۰۰
پیاز یک کیلو ۲۲۰
سیب زمینی یک کیلو ۱۵۰
آهن یک کیلو ۷۰۰
یک دلار امریکایی ۱۲۰۰

بقیه از صفحه اول

بالاخره "مصلحت" جمهوری اسلامی چیست؟

اساسی "به حل مشکل اقدام خواهد کرد. تاکید آن زمان و نیز تاکید مجدد خمینی بر قانون اساسی، حاکی از آن است که وی حداقل در حال حاضر تصدآن را نداد که رسماً این قانون را به مثابه مبنای تنظیم روابط مراکز قدرت در جمهوری اسلامی تغییر دهد. با این پیام خمینی، فعلاً بحثی که از جمله، رنسنجانی و خامنه‌ای چندماه پیش در مورد احتمال تغییر یا افزودن متمم بر قانون اساسی گشودند، مختومه اعلام شده است. در واکنش نسبت به ابراز تمایل برخی‌ها به تغییر قانون اساسی، از جمله محمد یزدی عضو فقهای شورای نگهبان در یک مصاحبه با روزنامه رسالت تاکید کرد که با تغییر قانون اساسی مخالف است. این اظهارات یزدی را می‌توان مخالفت جناح متمرکز حول فقهای شورای نگهبان با تجدید نظر در قانون اساسی تعبیر کرد. پیام اخیر خمینی قطعاً بحران و بن‌بست قانون گذاری و تصمیم‌گیری را در جمهوری اسلامی که به‌ویژه در هرصه اقتصادی این رژیم را فلج کرده است، نخواهد شکست. خمینی فعلاً به این نتیجه رسیده است که در بنای کج و معوج نظام سیاسی رژیمش، قانون اساسی موجود آجری است که اگر آن را بیرون بکشد، تکان‌های ناشی از فرو ریختن سنگ‌های دیگر، شاید کل دیوار را در معرض خطر قرار دهد. شاید بتوان در این یا آن مقطع، اقدام خمینی در "حفظ

وضع موجود" را به سود این یا آن جناح تعبیر کرد، ولی آنچه مسلم است، این است که با شرایط موجود، هیچ گروه‌بندی قدرت در درون رژیم توان تحمیل راه‌حل‌های مورد نظرش در هرصه‌های مختلف را به رقیب بطور کامل و درست ندارد. این را تجربه چندساله نشان می‌دهد. پس بحران ادامه می‌یابد و تشدید می‌شود. جمهوری اسلامی حتی از نتایج برقراری آتش‌بس هم نتوانسته است به‌سود تخفیف بحران بهره‌ای بگیرد. یک نمونه از تشدید بحران، گسترش نمودهای هلنی اختلافات شدید باندهای درون حکومتی است که بطور مثال، در جریان ارائه "طرح قانونی نحوه اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی" به مجلس توسط نمایندگان وابسته به جناح "فقه‌سنٹی" دیده شد. این اصل مقرر می‌کند که رئیس دیوان عالی کشور، باید دارای همه مقامات عالی را از رهبر گرفته تا وزرا و قیصره کنترل کند. در مورد این طرح، مباحث تند و وسیعی در مجلس صورت گرفت و چند روز از مذاکرات مجلس، صرف این مباحث شد. روزنامه رسالت، طعنه‌زبان در تیتیر سرمقاله خود نوشت: "آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است." یک نماینده مجلس گفت هر روز بر تعداد مقامات عالی‌رتبه‌ای که خبر "بنیادداشتن" شان می‌رسد، اضافه می‌شود. وی درست‌کردن انواع و اقسام "بنیادها" را وسیله‌ای برای ثروت اندوزی مقامات دولتی دانست.

دانشگاه‌ها نیز هرصه رقابت تشدید شده باندهای حکومتی است. از اخبار و گزارش‌هایی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود، چنین برمی‌آید که جناح‌های رقیب، علیه یکدیگر مجمع تشکیل می‌دهند، سخنرانی می‌گذارند و نیرو بسیج می‌کنند. روزنامه رسالت، آخوندی بنام مرتضی رضوی را که در دانشگاه تهران هردو جناح را "نماینده سرمایه‌داران" دانسته است، مورد حمله قرار داده است. در چنین فضای از مناسبات جناح‌های حکومتی هر گروه‌بندی می‌کوشد منافع خود را به نام "مصلحت" جمهوری اسلامی به کرسی بنشانند. آیا اصلاً چشم‌اندازی هست که چنین شود و جمهوری اسلامی قادر است خود را از جنگ فرسایشی جناح‌های متنازع نجات دهد؟ خمینی که هیچ‌کس مانند او قدرت نکه‌داشتن افسار آخوندهای به‌مسند قدرت رسیده را که برای گلوی هم دندان تیز کرده‌اند، نخواهد داشت، در "تشخیص مصلحت" درمانده است، حکمی می‌دهد و بعد نقض می‌کند، یکی را تقویت می‌کند و بهز مینش می‌زند، و همه را به‌وحدت فرا می‌خواند و باز جانب یکی را می‌گیرد...

شاید این بن‌بست و بحران، بحران مرگ باشد، نه فقط مرگ مومیایی پوسیده‌ای که در چهاران نشسته است. شاید این بیماری، تادم مرگ بیمار ادامه یابد. این مرگ هر قدر هم که به طول بیانجامد، بوی تعفن جسد، سالهاست که فضا را پر کرده است.

ترکمن تمام ابریشم، قم کف ابریشم، نائین ۹، مضمول مصوبه مرکز توسعه صادرات هستند. تحولات بهای ارز در بازار تهران و نیاز شدید دولت به هوایداری و همراه با آن قاچاق فرش و کاهش صدور کالاها فی‌رینتی از طریق کنترل گمرکی از هلا اصلی تصمیم مرکز توسعه صادرات برای شکستن نرخ فرش‌های دستباف ایران در بازارهای جهانی است.

افزایش بهای حق اشتراک تلفن

بر اساس لایحه بودجه سال جاری حداقل یک سوم هزینه نصب و راه‌اندازی تلفن در سطح کشور از مردم اخذ می‌شود. معاون طرح و برنامه ریزی شرکت مخابرات طی گفتگوی مطبوعاتی ضمن اعلام خبر فوق

توضیح داد که افزایش هزینه اشتراک تلفن تحت عنوان "خودداری" دریافت می‌شود و میزان آن برای متقاضیان در شهرهای کوچک ۴۰۰ هزار ریال، شهرهای بزرگ ۵۰۰ هزار ریال و شهرهای خیلی بزرگ ۶۰۰ هزار ریال می‌باشد. وی افزود: از کسانی که از سال‌های قبل نیش تلفن دریافت کرده‌اند به ترتیب ۲۰۰ هزار ریال، ۲۵۰ هزار ریال و ۳۰۰ هزار ریال وصول می‌شود. کسانی که قادر نباشند یا نخواهند افزایش بهای اشتراک را بپردازند، هلیزیم آنکه مدت‌ها در نوبت باشند از دریافت تلفن محروم خواهند شد.

بیماری ایدز در ایران

به اعتقاد وزیر بهداشت و درمان بیماری ایدز در ایران جدی و بالقوه است و فعالیت پزشکی

برای مبارزه علیه انتقال و گسترش آن به ایران از سال ۶۴ آغاز شده است. طبق اظهارات رئیس کمیته علمی کشوری مبارزه با بیماری ایدز، "آن دسته از فرآورده‌های خونی که قبل از سال ۶۴ همدتا از کشورهای آمریکایی و اروپایی وارد ایران شده‌اند، نمی‌تواند ممکن است آلوده بوده باشند و احتمال دارد برخی از افرادی که از این فرآورده‌های خونی استفاده کرده‌اند به ویروس ایدز آلوده شده باشند."

رئیس کمیته علمی مبارزه با بیماری ایدز توضیح داد که هم‌اکنون نیز امکان جدا کردن ویروس ایدز در ایران وجود ندارد و لذا افراد مبتلا و شناسایی نشده، تشخیص قطعی نشده‌اند. زیرا برای تشخیص قطعی ابتلا بیمار، به امکانات گشت ویروس ایدز نیاز هست و این امکانات هنوز تهیه نشده است.

قهرمان خلق، صمد اسلامی

فدایی فروتن و سخت کوش، انسان شریف، مبارز پرتلاش، رهبر محبوب کارگران تبریز، فرزند کبیر خلق، صمد اسلامی طاهری، عضو کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، تیرباران شد. رفیق از جمله گوهرهای تابناک و نادر جنبش بود که در نتیجه ویژگی‌های کارمخفی و تواضع و بی‌پیرایگی خود او حتی برای رفیقان نزدیکش آشنان که بود شناخته نشد. با شهادت رفیق، جنبش انقلابی ایران یکی از برجسته‌ترین کادرهای خویش را از دست داد.

صمد در سال ۱۳۳۲ در خانواده ای زحمتکش در یکی از محلات فقیرنشین تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۵۳ وارد دانشگاه علم و صنعت گردید. او که از سالهای ۵۲ - ۵۱ هوادار سازمان بود، در دانشگاه به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد. در سال ۵۴ مسئولیت گروهی از انقلابیون را به عهده داشت. گروه تحت رهبری او که به مطالعه آثار مارکسیستی و تکثیر دستی و پخش آن می‌پرداخت، نقش فعالی در حرکات دانشجویی داشت. گروه توسط صمد مسلح شده بود. به دنبال ضربات سال ۵۵ رژیم شاه به سازمان، با توجه به شور و شعور و توانی که سازمان در او یافته بود، در رابطه مستقیم با رهبری سازمان و به طور مشخص با یکی از رفقای رهبری قرار گرفت. در شرایط سخت پس از ضربات، صمد خدمات فوق العاده ارزنده‌ای به سازمانش کرد. در نتیجه امکانات و توانایی‌های شخص او و گروهش، ارتباط سازمان با دانشگاه‌های تهران گسترش یافت. هسته‌های دانشجویی متعددی در دانشگاه‌های تهران از طریق ارتباط "دبای" به گروه او مربوط بودند. با توجه به تیپ مردمی و متواضع صمد، سازمان توانست از طریق او نخستین هسته‌های کارگری را در کارخانجات تبریز به وجود آورد. نقش صمد در جنبش خارج از محدوده تهران از فرازهای برجسته زندگی او است. در سال ۵۶ - که جنبش زحمتکشان مناطق خارج از محدوده تهران آغاز شد، صمد در راس آن قرار داشت. بخش

برگزار شد و باردیگر گوسفند قربانی هید را در همین خانه سر بریدند. او هر آنجا که لازم بود، هلنا وارد صحنه می‌گشت، اعلامیه انفجار دفتر حزب رستاخیز را صمد و رفقاییش در روز روشن در بازار تهران پخش کردند.

صمد، در خیزش توده‌ای سال ۵۷ فعالانه شرکت کرد. در جریان قیام و تسخیر پادگان‌های تهران از سازمانگران بود.

سازمان پس از قیام صمد را با توجه به موقعیتش در تبریز، به زادگاهش اعزام کرد. او از سازمان‌گران ستاد فداییان در تبریز و از اعضای برجسته شاخه آذربایجان بود. صمد در تبریز با توجه بیشتری به جنبش کارگری پرداخت. به ابتکار او از اوایل سال ۵۸، جلسات عمومی کارگران هلاقمند به مسایل کارگری و مدتی بعد "هسته‌های کارگری" شکل گرفتند. هلیرغم کار فوق العاده زیادی که برای رهبران سازمان در آذربایجان وجود داشت، او حتی جزئی‌ترین مسایل هسته‌ها را تعقیب می‌کرد.

فراوان کار سبب تشکیل "کمیته کارگری" گشت. صمد مبتکر این کمیته بود. جنبش کارگری تبریز در سال‌های پس از انقلاب تحت نظارت مستقیم او رشد کرد. در هدایت اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه ماشین‌سازی تبریز نقش درجه اول داشت. آخرین کار اصلاحی اعلامیه‌هایی که به امضای کارگران پیشرو انتشار می‌یافت. با او بود، او نقش بسیار برجسته‌ای در برگزاری جشن‌های اول ماه مه سال ۵۹-۵۸ تبریز ایفا کرد. سرودی که در این روزها در خیابان‌های تبریز توسط تمام کارگران شرکت کننده طنین افکند، با پیشگامی او تهیه شد. آن روز که سیل کارگران تبریز، سرود تهیه شده سازمان را پایکوبان فریاد می‌زدند، صمد نیز با روی خندان پای می‌کوبید:

بیرلشین، بیرلشین دنیانین کارگرلری

بیرلشین، بیرلشین ایرانین کارگرلری

بیغیشین، بیغیشاق، شورا توراخ

او رابه حق سازمان دهنده جنبش کارگری آذربایجان نام داده‌اند، صمد محبوب سازمان، محبوب کارگران بود.

صمد در سازماندهی انتشارات مخفی شاخه و در توزیع، نقش درجه اول بازی می‌کرد.

سازماندهی چاپخانه مخفی مستقیماً بر دوش او بود و توزیع همده را خود او انجام می‌داد. در نتیجه مساعی صمد، هلیرغم تمام تلاش‌های دشمن، انتشارات مخفی سازمان در تبریز از ضربه دشمن مصون ماند.

کمیته کارگری که صمد در راس آن بود، در سال ۵۹ با افزوده شدن چند رفیق دیگر به کمیته شهر تبریز تبدیل شد. کنفرانس ایالتی آذربایجان که در همین سال تشکیل شد، او را به اتفاق آرا به عضویت در کمیته ایالتی آذربایجان انتخاب کرد. در انتخابات کمیته به عنوان عضو هیئت اجرایی کمیته ایالتی برگزیده شد. او دبیر دوم ایالت، دبیر اول کمیته ولایتی تبریز، مسئول شعبه تشکیلات ایالت و...

بود در سال ۶۱ از طرف هیئت اجرایی کمیته آذربایجان به نامزدی عضویت در کمیته مرکزی معرفی گشت و سپس به عضویت دومین کمیته مرکزی پذیرفته شد. تا ضربات اوایل سال ۶۲ بطور خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی به وظایف انقلابی خویش عمل کرد.

در مقطع ضربات سال ۶۲ او همچون مادری که زاده خویش را در خطر هلاکت ببیند، تمام تلاش خود را به کاربرد تا سازمان را از زیر ضرب خارج سازد. در اوایل سال ۶۲ ناگزیر در کرج مستقر شد، مسئولیت آذربایجان را بردوش گرفت. او سپس به تهران رفت و در آن شرایط خطیر، تشکیلات سازمان را در آذربایجان و شمال هدایت نمود.

دشمن که از حساسیت نقش او در سازمان مطلع بود، با وسواس برای دستگیری‌اش تلاش می‌کرد. او بارها از چنگ مزدوران رژیم گریخت.

مطلع سال ۶۲ از فرازهای برجسته زندگی صمد بود. او مظهر اعتماد به نفس، شجاعت، هشیاری و فداکاری بود. او با رفتار خویش، روح پایداری را در رفقاییش می‌دمید. بیش از جان خویش در اندیشه حفظ جان رفیقانش بود. بارها بر سر قرار مشکوک می‌رفت، تا رفیق دیگر را از آلودگی قرار مطلع سازد، بارها قبل از اجرای قرار رفقاییش، محل قرار و مسیر حرکت رفقاییش را چک می‌کرد تا همزمانش مورد هجوم دشمن قرار نگیرند. او مدام می‌گفت: "هیچ دوست ندارم دستگیر شوم ولی اگر روزی دستگیر شدم می‌خواهم به دژ ضیمان بفهمانم که افسانه "پیچ اوین" چقدر

پیروز احياء

رزمندهای استوار و پیگیر

از آن بدیرنعام غریزید ارند
که آتش کیم نمیرد همیشه در دل ماست



فدایی خلق پیروز احياء در سال ۱۳۳۴ در شهر تهران در یک خانواده زحمتکش دنیا آمد. شرایط سخت زندگی از وی انسانی سخت کوش پرورده بود. از همان سنین نوجوانی طعم تلخ محرومیت‌های اجتماعی و ظلم و ستمی را که رژیم ستم‌شاهی بر مردم ما روا می‌داشت، چشیده و با هم و در میلیون‌ها انسان زحمتکش آشنا گردید. هوش و ذکاوت رفیق، وی را در دوران تحصیل در زمره شاگردان ممتاز قرار داده و بهمین جهت در سال ۵۲ جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه علم و صنعت تهران گردید و در رشته مهندسی

برق مشغول تحصیل شد. از همان سال ضمن آشنایی با سازمان فعالیت‌های صنفی دانشجویان شرکت فعال نمود و بعدها در سازمان دادن کتابخانه دانشگاه و گروه کوهنوردی نقش موثری ایفا نمود. در سال ۵۶ بعلت فعالیت‌های صنفی - سیاسی از طرف گزندگان ساواک مورد شناسایی قرار گرفت و بازداشت گردید.

در جریان انقلاب بهمن ۵۷، ضمن سازماندهی حرکت‌های اعتراضی، همراه با توده‌های قیام‌کننده مردم در تسخیر دژهای مزدوران شاه شرکت فعال نمود.

بی‌معنی است، می‌خواهم به آنها بفهمانم که کمونیست‌های ایران تا پای جان از آرمانشان دفاع می‌کنند. مرگ را می‌پذیرند و خفت و ذلت را هرگز...

فعالیت فوق‌العاده صمد، حساسیت نقش او، شجاعت، بی‌باکی بیش از حد او، از یک طرف و تلاش پلیس برای دستگیری او سرانجام به دستگیری‌اش انجامید. او در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۶۲ در تهران، در سرقرار، دستگیر شد. و از این لحظه برگ دیگری در حیات این انقلابی بزرگ گشوده شد.

رژیم پس از دستگیری او بلافاصله و حشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در مورد او به کار گرفت. ولی جواب صمد "نه" بود. از دهمین قرار، از دهمین امکان - که حتی می‌دانست تخلیه هم شده‌اند... از اطلاعات وسیع سازمانی او، پلیس حتی به یکی راه نیافت. ۹ ماه پس از بازداشتش که خیر دستگیریش به خانواده‌اش داده شد، روشن شد که جز نام و نام فامیل و تعلق سازمانی‌اش چیز دیگری نگفته است. جلادان پیکر مقاومش را زیر شکنجه می‌دریدند، ولی او به پیمانش با خلق و سازمان پشت نکرد. او که همواره در خطر اعدام بود، بی‌آرام و قرار مبارزه را حتی در شکنجه‌گاه‌ها پی گرفت. او را بارها با اسیران شکسته که اطلاعاتی از او داشتند - روبرو کردند ولی نصایح شکسته‌گان

اراده او را سست نکرد. صمد از آخرین آزمون انقلابی سرفراز بیرون آمد. پیکرش را صدها بار درهم دریدند ولی روحش تسلیم ناپذیر باقی ماند. او در تمام اعتصابات سال ۶۶ و در تمام جنبش زندانیان سیاسی، تا لحظه شهادتش، از صاحبان اتوریته و نفوذ و از سازمانگران اصلی بود. زندانیانی که صمد را در این سالها دیده‌اند، از صمد به عنوان "یک کوه" یاد کرده‌اند.

صمد در پاییز سال ۶۷ به همراه یاران دیگرش به دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی ایران به خون فلتید. انسانی شریف، فحوار دوستان، انقلابی‌ای شجاع و سخت کوش و فداکار، گوهری کمیاب از گهرهای جنبش از میان مارفت‌انسانی شریف، سازمانده بر جسته، کمونیستی خستگی‌ناپذیر و بی‌قرار، رهبر کارگران تبریز، فاتح زندانهای خمینی، رازدار خلق و سازمان، فرزند دلاور شهر پولادین تبریز، پاسدار سنت دلاوریهای بابک و ستار و حیدر، رفیق صمد اسلامی طاهری جاودانه شد.

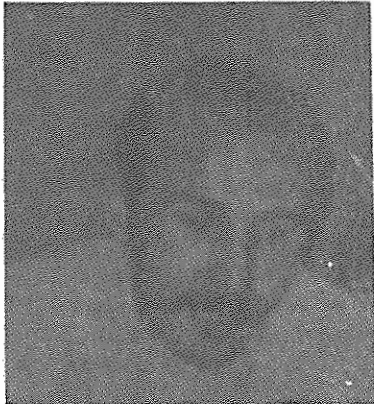
فداییان خلق و کارگران تبریز - آنگاه که از جنبش سخنی به میان آید، صمد را یاد خواهند کرد و با افشاندن اشکی مشت‌ها را گره خواهند کرد. یاد او الهام‌بخشان خواهد گشت. گرامی باد یادش پرهر و باد راهش.

بعد از انقلاب - ضمن سازماندهی دانشجویان هوادار سازمان، در ستاد دانشجویان پیشگام در کمیته کارگری به فعالیت پرداخت. در این سالها ر. پیروز هم بخاطر تماس هرچه نزدیکتر با مردم و هم برای امرار معاش در کنار مبارزه و تحصیل در دانشگاه، به عنوان دبیر پیمانی در محلات جنوب شهر مشغول تدریس شد. آشنایی همیق با درد و اندوه زحمتکشان جامعه و ظلم و ستمی که بر آنها رفته بود، همراه با احساسات همیق انسانی، ایثارگری و چهره مهربان و خندانش از وی چهره‌ای محبوب در میان همکاران و شاگردان مدرسه ساخت. او به دانش‌آموزان ضمن آموزش علم، درس مبارزه و زندگی می‌آموخت. بهمین خاطر پس از فاجعه "انقلاب فرهنگی" بعلت فعالیت‌های سیاسی هم از تحصیل در دانشگاه و هم از تدریس در مدارس ممنوع گردید و بیگار شد. در این دوره رفیق ناچار شد که برای امرار معاش به هرکاری بپردازد.

در سال ۶۰ دستگیر گردید و مدتی در تهران زندانی شد. پس از

آزادی کار پیگیر مبارزاتی خود را دنبال کرد. در سال ۶۲ در گروه‌های مخفی سازمان در تهران سازماندهی گردید. فعالیت انقلابی و پرثمر رفیق در این دوره تا شهریور ۶۵ ادامه داشت و یکدم از مبارزه در راه آزادی و بعروزی مردم و در راه افشای سیاستهای خائنانه جمهوری اسلامی فروگذار نکرد. در مهر ۶۵ در حالیکه در تورج‌نابکاران ساوامایی رژیم قرار گرفته بود همراه با همسر و فرزندش دستگیر شد و پس از چندی در دادگاه به هفت سال زندان محکوم گردید. اما بالاخره پس از دو سال زندان در قتل‌عام زندانیان سیاسی، رفیق پیروز را بخاطر دفاع از شرافت و انسانیت و به خاطر هشق بیدریش به انسانهای زحمتکش و اعتراض به بیعدالتی‌های اجتماعی و بعلت پایبندیش به آرمانهای والای طبقه کارگر و حفظ اسرار سازمانش، همراه صدها انقلابی و مبارز پاکباز تیرباران کردند. اما یاد شرافت و انسانیت او، ایثار و فداکاریش، راه و رسم زندگی و مبارزه‌اش از دل مردم زحمتکش و خاطر دوستان و آشنایانش هرگز نخواهد رفت.

محمد حسن دیانگ شوری فرزند مبارز خلق



محمد حسن دیانگ شوری (منصور) از میان خانواده‌ای زحمتکش برآمده بود. زندگی خانواده و مردمی که او در میانش می‌زیست، نخستین مکتب او برای مبارزه انقلابی بود. منصور با یک کوله بار فنی از تجارب زندگی در میان مردم، پایه میدان مبارزه نماد، خلق و خو، عادات و رفتاری که در آن سال‌ها کسب کرده بود، عامل موفقیت بسیار جدی او در نزدیکی با زحمتکشان بود. علاوه بر این زیرکی و استعداد برجسته‌ای که داشت او را به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاهی دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهگرانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱/۵ سال حبس محکوم شد. اما

نامه‌ای را که در زیر می‌خوانید و کلیشه آنرا در همین صفحه مشاهده می‌کنید در سال ۱۳۶۴ توسط رفیق محمد حسن دیانگ شوری (رفیق منصور) برای یکی از آشنایانش در خارج کشور نوشته شد.

با سلام گرم و آرزوی موفقیت، نامه باصفای شما بدستم رسید. صمیمانه آرزو مندم که همیشه شاد و سر بلند باشید. حدود ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ مرداد مقابل ماما صوفی نشستام و این سطور را می‌نویسم. گرمای هوا آخرین سگدوها را می‌زند و خنکهای شهر یور نزدیک است، اما پایه پای خنکی هوا، کارزار علیه آفتابان عوام فریب دم‌بدم گرمی بیشتری می‌گیرد. هول و هراس‌های یکساله و اندی، شتاب‌زدگیها، پاهور دگیهای فصل شکست، جای خود را نرم ترک به انصام و تلاش و امیدواری زندگی بخش می‌دهد، آفتابان تازه می‌فهمند که نه این عقاب‌ها را اشکار نتوان کرد، میتوان زخمی زد، بالی شکست، کسی یا کسانی را از گردونه خارج کرد اما با قطع شاخه‌ها، جنگل نه می‌میرد. و اینهمه تازه اول عشق است. تاریخ در کوره تبر دستان زحمتکشان پاسخ دندان شکنی به این انقلاب فروشان رذل خواهد داد، فردا که زمزمه‌های ضمه‌الوداین مردم به سرود شکوهمند میلیونی بدل شد، اینها هم مانند سلف ملعون شاهنشاهی خواهند فهمید که نه این قافله راسر باز ایستادن نیست. گیرم که خیل عظیم دیگری قربانی شوند، مگر راه دیگری وجود دارد؟! در اندرون سیاهچالها نیز دیگر فقط یاس و شکستن نیست، حماسه‌های خونین ایستادگی چنان جان می‌گیرند که تازیانه‌ها نیز شرم‌آگینند سر هتگ کبیری قهرمان، خاطره روزه را زنده می‌کند و حیدر مهرگان عظمت و ارطان‌ها را، کریمی‌ها، تابان‌ها پرچم ظفر مند جزئی‌ها را برافراشتند و این دژ خیم است که همچنان لابه می‌کند و هجز و ناتوانی می‌فروشد. در کارخانه‌ها مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مردم شدت بیشتری می‌گیرد (آخرین نمونه تیبیک، مبارزه کارگران کاتادارای برای افزایش دستمزد که آخرین خبر حاکی از کشته و زخمی شدن چند کارگر است و هراسناکی رژیم) قیامت این جنگ لعنتی هر روز بیشتر از پیش نزد زحمتکشان میهن آشکار می‌شود و زمامداران در بن بست سیاست‌های ضد مردمی خود دست و پایی می‌زنند، گرانی بیداد می‌کند و مسئله حجاب این مله‌به همیشگی عوام فریبی‌های آفتابان این بار چنان آبروی نداشتنه‌ای بر باد داد که خودشان هم به شوری این آتش‌اقتراف کردند. اوراق انقلابی کم‌کم از نیابی و کم‌یابی بدر می‌آیند و گمشده‌های یکدیگر را می‌یابند و یگانگی و رفتن و ...

سال ۱۳۶۲، از جمله نیروهای اصلی تشکیلات فدائیان در این دوره بود و به حق که باسرفرازی و کارنامه‌ای درخشان از این آزمون دشوار سر بلند پیروز آمد.

به پاس این خدمات ارزنده پلنوم کمیته مرکزی سازمان در فروردین ۱۳۶۵، رفیق منصور را به عضویت مشاور کمیته مرکزی سازمان برگزید.

سلام گرم و آرزوی موفقیت. نامه باصفای شما بدستم رسید. صمیمانه آرزو مندم که همیشه شاد و سر بلند باشید. حدود ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ مرداد مقابل ماما صوفی نشستام و این سطور را می‌نویسم. گرمای هوا آخرین سگدوها را می‌زند و خنکهای شهر یور نزدیک است، اما پایه پای خنکی هوا، کارزار علیه آفتابان عوام فریب دم‌بدم گرمی بیشتری می‌گیرد. هول و هراس‌های یکساله و اندی، شتاب‌زدگیها، پاهور دگیهای فصل شکست، جای خود را نرم ترک به انصام و تلاش و امیدواری زندگی بخش می‌دهد، آفتابان تازه می‌فهمند که نه این عقاب‌ها را اشکار نتوان کرد، میتوان زخمی زد، بالی شکست، کسی یا کسانی را از گردونه خارج کرد اما با قطع شاخه‌ها، جنگل نه می‌میرد. و اینهمه تازه اول عشق است. تاریخ در کوره تبر دستان زحمتکشان پاسخ دندان شکنی به این انقلاب فروشان رذل خواهد داد، فردا که زمزمه‌های ضمه‌الوداین مردم به سرود شکوهمند میلیونی بدل شد، اینها هم مانند سلف ملعون شاهنشاهی خواهند فهمید که نه این قافله راسر باز ایستادن نیست. گیرم که خیل عظیم دیگری قربانی شوند، مگر راه دیگری وجود دارد؟! در اندرون سیاهچالها نیز دیگر فقط یاس و شکستن نیست، حماسه‌های خونین ایستادگی چنان جان می‌گیرند که تازیانه‌ها نیز شرم‌آگینند سر هتگ کبیری قهرمان، خاطره روزه را زنده می‌کند و حیدر مهرگان عظمت و ارطان‌ها را، کریمی‌ها، تابان‌ها پرچم ظفر مند جزئی‌ها را برافراشتند و این دژ خیم است که همچنان لابه می‌کند و هجز و ناتوانی می‌فروشد. در کارخانه‌ها مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مردم شدت بیشتری می‌گیرد (آخرین نمونه تیبیک، مبارزه کارگران کاتادارای برای افزایش دستمزد که آخرین خبر حاکی از کشته و زخمی شدن چند کارگر است و هراسناکی رژیم) قیامت این جنگ لعنتی هر روز بیشتر از پیش نزد زحمتکشان میهن آشکار می‌شود و زمامداران در بن بست سیاست‌های ضد مردمی خود دست و پایی می‌زنند، گرانی بیداد می‌کند و مسئله حجاب این مله‌به همیشگی عوام فریبی‌های آفتابان این بار چنان آبروی نداشتنه‌ای بر باد داد که خودشان هم به شوری این آتش‌اقتراف کردند. اوراق انقلابی کم‌کم از نیابی و کم‌یابی بدر می‌آیند و گمشده‌های یکدیگر را می‌یابند و یگانگی و رفتن و ...

مذاکرات معاون

بقیه از صفحه آخر

تاس می‌افزاید این موضع با موضع سرسختانه گروه‌های مستقر در پاکستان تفاوت کیفی دارد.

در کابل، پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برگزار شد و بار دیگر بر آمادگی این حزب برای تقسیم قدرت با گروه‌های مخالف مسلح، تاکید کرد. نجیب‌الله رئیس جمهوری افغانستان در آخرین روزهای سال ۱۹۸۸، به اپوزیسیون مسلح افغانی پیشنهاد کرد از روز اول ژانویه (۱۱ دی ماه) در افغانستان آتش‌بس برقرار شود. گروه‌های افغانی مستقر در پاکستان، بلافاصله این پیشنهاد را رد کردند. بدنبال مخالفت این گروه‌ها با آتش‌بس، در هفته گذشته نبرد میان ارتش افغانستان و ضدانقلابیون شدت گرفت.

در اسلام‌آباد، یولی وورونتسوف فرستاده شوروی اعلام کرد در صورت عدم برقراری آتش‌بس در افغانستان، به پایان رسیدن خروج نیروهای شوروی تا ۱۵ فوریه، موهد پیش‌بینی شده در قرارداد ژنو، امکان پذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر، در چارچوب مذاکرات جاری میان اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی، که از جمله به مسئله افغانستان اختصاص دارد، هیئت سه نفره‌ای مرکب از جواد املی نماینده خمینی، لاریجانی معاون وزیر خارجه و مرضیه حدیدچی دبایف نماینده مجلس در روزهای ۱۳ و ۱۴ دی ماه در مسکو با مقامات شوروی و از جمله میخائیل گارباچف دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار، پیام شخصی خمینی به گارباچف، به وی تسلیم شد. لاریجانی در بازگشت از مسکو، ارسال پیام توسط شخص خمینی به گارباچف را "بسیار مهم" توصیف کرد و گفت در مناسبات دو کشور "فصل جدیدی" گشوده شده است.

بدواً بنظر می‌رسد که نامه خمینی به مناسبات سیاسی فیما بین دو کشور و مساله افغانستان مربوط باشد. اما با انتشار متن کامل نامه خمینی در روز یکشنبه ۱۸ دی آشکار شد که در این نامه اساساً به مباحث حوزه‌های پرداخته شد و طی آن خمینی از رهبر اتحاد شوروی خواست "در باره اسلام به صورت جدی فکر و تفحص" کنند!



فدائی خلق

سعید کاظمی

استوار همچون کوه

تعاونی قدرت سازمانگری خود رانمایان سازد. بدنبال دستگیری رفیق مهرزمش محمد در یاباری، وظایف و مسئولیت‌های فدائی خلق سعید کاظمی از همیشه سنگین تر شد. ساواک خمینی که به فعالیت‌های این رفیق رزمنده ظنین بود در تیرماه ۶۴ او را دستگیر و تحت بازجویی قرار داد. اما رفیق سعید این بار توانست از چنگ آنها نجات یابد و کمی بعد آزاد شد. ولی بالاخره در اردیبهشت ماه سال ۶۵ همراه با همسرش و مهرگان دختر خردسالش به دست گزمه‌های رژیم اسیر شد. وی در زیر شکنجه‌های هولناک بمانند یک فدایی خلق اسرار خلق را در سینه خویش حفظ کرد. در دادگاه او را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند. تا بالاخره پس از نزدیک دو سال و نیم زندان، در مهرماه سال ۶۷ به جوخه اعدام سپرده شد و فدایی خلق سعید کاظمی، سعید کوه در راه زحمتکشان و در راه آرمانهای والایش جان باخت.

کردید. با آغاز فعالیت دانشجویان پیشگام در دانشکده علم و صنعت، او به مثابه یکی از سازمانگران دانشجویان پیشگام چهره محبوبی در میان دانشجویان این دانشکده بود. بعد از رویداد خونبار "انقلاب فرهنگی" سعید کوه از دانشکده اخراج شد. در این دوران وی برای امرار معاش ناگزیر بود کارهای مختلفی را پیشه کند، زمانی نجاری می‌کرد. زمانی سبزی فروشی و یا هر کار دیگری که پیش می‌آمد. اما در همین دوران شور و شوق او برای مبارزه مردم فروزانتر می‌شد. او با فروتنی انقلابی، تیزهوشی و کارائی و عشق به مردم مسئولیت‌های خطیری را در سازمان برعهده گرفت و به شایستگی انجام داد. در سال سخت ۶۴ سعید کوه صلابت صخره آساز خود نشان داد. شکیبایی و خونسردی او در آن ایام، مثال زدنی است. در همین دوران بود که توانست در تعاونی مصرف کارکنان صنعت ساختمان به کار بپردازد و در نقش مدیرعامل

دوستان و هم‌زمان فدایی شهید سعید کاظمی او را بنام "سعید کوه" می‌شناختند. علت این اشتعار به دوران فعالیت خستگی‌ناپذیر او در اتاق کوه دانشکده علم و صنعت برمی‌گردد. زندگی نشان داد که این صفت برازنده اوست و بیانگر یکی از خصوصیات ارزشمندش می‌باشد. او در پایبندی به آرمانهای والای انسانی خود تا به آخر سرسخت و استوار همچون یک کوه برجای ماند.

سعید کاظمی در سال ۱۳۳۸ به دنیا آمد. بعد از پایان تحصیلات متوسطه، آموزش عالی را در دانشکده علم و صنعت تهران آغاز کرد. از همان بدو ورود در فعالیت‌های صنفی دانشکده شرکت فعالی داشت. بویژه در "اتاق کوه" فعالیت خستگی‌ناپذیری می‌کرد. در ادامه فعالیت‌های صنفی و در پیوند با آن، مبارزه سیاسی را پی گرفت او که سرشار از عشق به مردم رنج‌دیده بود، به هوادار ثابت قدم سازمان بدل

مهرزمانش جانانه دفاع کرد. رفیق محمدحسن دیانک شوری که در طول ۱۵ سال مبارزه، به کادری قدرتمند در صفوف فداییان تبدیل شده بود، هدف کینه‌توزی گزمه‌های خونخوار رژیم قرون وسطایی خمینی قرار گرفت و جان پاکش را بر سر آرمان نهاد.

آن مشکوک بود و درست در همین قرار دستگیر شد. پلیس که از نقش منصور در تشکیلات مخفی سازمان مطلع بود، وسیع‌ترین فشار و شکنجه‌ها را بر وی وارد آورد. اما قامت استوار رفیق ارزنده مادر برابر این فشارهای بهیمی، خم نشد. سرفراز در مقابل این جانوران ایستاد و از شرف و حیثیت خود، سازمانش و

در ماه‌های پس از پلنوم، منصور همواره یکی از هدف‌های اصلی تعقیب و مراقبت ساواک خمینی بود. با ده‌ها بار ضد تعقیب و گریز از تور گسترده و محکم پلیس، مزدوران رژیم را دیوانه کرده بود. سرانجام در تابستان ۶۵ بر سر قراری حاضر شد که نسبت به سلامت

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

اسپانیا

اشغال دفتر هواپیمایی

جمهوری اسلامی در مادرید

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی، در روز ۹ دسامبر ۱۹۸۸ دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در مادرید توسط هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و جوانان کمونیست اسپانیایی اشغال شد.

دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه صبح به اشغال درآمد. شرکت کنندگان در این اعتراض، با اقدام خود توجه زیاد رسانه‌های گروهی را به جنایات خمینی جلب کردند. خبرنگاران تلویزیون اسپانیا و چند فرستنده رادیویی بلافاصله در محل حضور یافتند و با تنی چند از حاضران به مصاحبه پرداختند. از پنجره دفتر هواپیمایی که در طبقه یازدهم ساختمان بلندی در مرکز مادرید واقع است، پلاکارد بزرگی به ارتفاع ۳۰ متر با شعار "علیه کشتار زندانیان سیاسی در ایران" آویزان شد. در پایین، در مقابل ساختمان تعدادی از هموطنان ما و نیز اعضای سازمانهای مترقی اسپانیایی با پخش اعلامیه و بدست گرفتن پوستر و پلاکارد، توجه هابران را به قتل هام زندانیان سیاسی ایران جلب کردند.

خبر اشغال دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی همان روز از برنامه اخبار تلویزیون مادرید، رادیوی ملی اسپانیا و چند فرستنده دیگر پخش شد. در همان روز به مناسبت چهلمین سالگرد صدور اعلامیه حقوق بشر، تلویزیون سراسری اسپانیا برنامه ویژه خود در اخبار شامگاهی را به نقض حقوق بشر در ایران و کشتار زندانیان سیاسی اختصاص داد. در این

گزارش عکسهای گرفته شده از گورهای جمعی در خاروان نشان داده شد. مجری برنامه، یکی از مسئولان جمعیت دفاع از حقوق بشر اسپانیا، از دولت این کشور خواهان واکنش متناسب در قبال کشتار زندانیان در ایران شد. روزنامه اسپانیایی "ال پائیس" که دارای شهرت بین‌المللی است، با چاپ عکسی از یک گور جمعی در خاروان، اهدام صدها تن از اعضای سازمان ما و سایر نیروهای چپ و نیز سازمان مجاهدین خلق را بازتاب داده است.

کلوب هواداران یونسکو در اسپانیا با ارسال نامه به همه اعضای خود خواستار اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران شده است. این کلوب همچنین با پخش اعلامیه در تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره مادرید در روز ۱۶ دسامبر، از مردم اسپانیا خواست جنایات در زندانهای ایران را محکوم کنند.

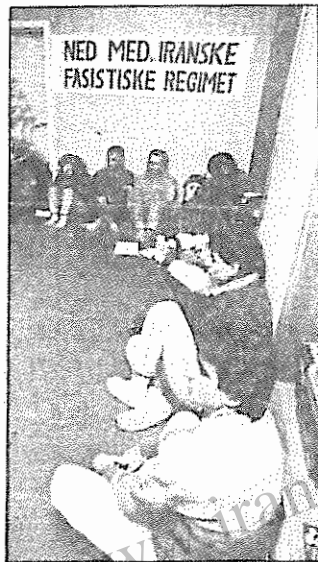
تعدادی از نویسندگان، روزنامه نگاران و شخصیت‌های اجتماعی اسپانیا با ارسال نامه‌ای اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی خواستار پایان دادن به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی و اعزام هیاتی برای بررسی فاجعه به ایران شده‌اند. در میان امضاکنندگان این نامه، اسمی رافائل آلبرتی شاعر نامدار، آنتونیو گالا، گابریل سلیا و کارلوس پادیس، نویسندگان پرآوازه اسپانیا و نیز آنتونیو گوتیرز دبیرکل کمیسیون کارگری و تنی چند از دیگر شخصیت‌های مشهور این کشور، دیده می‌شود.

نروژ

اعتراض ایرانیان به جنایات خمینی

تظاهرات با حمل شعارهای بزرگ نویسی شده به زبان نروژی همراه بود.

مسیر تظاهرات از یکی از پررفت و آمدترین خیابان‌های اسلو به سوی سفارت جمهوری اسلامی بود. شرکت کنندگان در راهپیمایی با حمل مشعل‌هایی، توجه مردم را به خود جلب کرده بودند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از زندانیان سیاسی ایران می‌دادند. هنگامی که صف تظاهرات به سفارت جمهوری اسلامی نزدیک شد، صدای شعارها رسا و رساتر شد. پلیس نروژ از توقف راهپیمایان در برابر ساختمان سفارت جلوگیری کرد و با کمک اسب و از طریق هل دادن راهپیمایان، آنها را به جلوراند تا از جلوی ساختمان سفارت دور شوند. در راهپیمایی اسلو، دبیرکل حزب کمونیست نروژ نیز شرکت داشت. روزنامه‌های نروژ اقدامات اعتراضی ایرانیان و جنایات رژیم را بازتاب دادند. عکس این صفحه برگرفته از روزنامه‌های این کشور و مربوط به یک حرکت اعتراضی در اسلو است.



شامگاه شنبه ۱۰ دسامبر، شهر اسلو پایتخت نروژ شاهد راهپیمایی جمعی از ایرانیان متقیم این کشور تحت عنوان "اعتراض به اعدام‌های زندانیان سیاسی در ایران" بود. در این تظاهرات، حدود ۷۰ نفر از ایرانیان متقیم نروژ شرکت کردند.

بلژیک

مرگ بر خمینی!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

فذا، ایرانیان آزادیخواه با حضور در محل، انزجار خود را از جنایات رژیم خمینی ابراز داشتند. همچنین نماینده سازمان جوانان کمونیست بلژیک، نمایندگان اتحادیه کارگران ترک، عده‌ای از یونانیان متقیم بلژیک، دبیر جنبش ضدنژادپرستی در بلژیک، دبیر

از روز دوشنبه ۱۹ دسامبر، به دعوت "انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک"، اعتصاب غذای پنج روزه‌ای در اعتراض به فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در یکی از کلیساهای بروکسل پایتخت بلژیک آغاز شد. خبر اعتصاب فذا در سه روزنامه بلژیک منعکس شد. در طول مدت اعتصاب

انجمن فعالیت‌های اجتماعی برای صلح در بلژیک، انجمن‌های مذهبی و گروهی از شهروندان بلژیکی با حضور در محل اعتصاب غذا همبستگی خود را با مردم ایران و زندانیان سیاسی اعلام داشته، خشم و نفرت خود را از جنایات رژیم جمهوری اسلامی ابراز کردند. در روز پایانی اعتصاب غذا، دسته‌گلهایی از سوی اعتصابیون به گروهی از بستگان زندانیان سیاسی که هم‌زمان خود را در کشتار اخیر از دست داده‌اند، تقدیم شد. در قطعنامه پایانی اعتصاب غذا آمده است "اعمال ضدبشری خمینی یادآور کشتارهای نازیسم در اردوگاه‌های مرگ است". اعتصابیون خواهان قطع فوری اعدام و شکنجه، بازدید هیاتی بین‌المللی از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، بازتاب هرچه وسیع‌تر نقض فاحش حقوق بشر در ایران از طریق مجامع بین‌المللی و رسانه‌های گروهی در سطح جهان و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی ایران شده‌اند.

انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک همچنین با ارسال نامه‌هایی برای نخست‌وزیر، وزیر امور

خارج، پارلمان، احزاب سیاسی، سازمان‌های صلح‌دوست و دمکراتیک، شخصیت‌ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و رسانه‌های گروهی خواهان اعتراض این محافل به فجایعی که در ایران می‌گذرد شده‌اند.

در روز چهارشنبه ۲۱ دسامبر نیز "انجمن پناهندگان سیاسی ایرانی در بلژیک" تظاهرات استادهای در برابر سفارت رژیم در بروکسل سازمان داد. در این تظاهرات، علاوه بر ایرانیان آزادیخواه، همدای از مردم بلژیک نیز حضور داشتند. در این تظاهرات شعارهایی مانند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" و "مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی!" بیانگر خشم و انزجار شرکت‌کنندگان بود.

در روز جمعه ۲۳ دسامبر، تظاهرات استادهای در اعتراض به اعدامهای اخیر در بروکسل برگزار شد. در این تظاهرات استادهای علاوه بر فدائیان خلق و توده‌های نمایندگان از هواداران احزاب کمونیست ترکیه، یونان و شیلی نیز حضور داشتند.

نامه به مقامات بلژیک

این کشور ضمن اشاره به اعدامهای جمعی در ایران به مسئولیت دولت بلژیک در اعتراض به این جنایات اشاره کرده است.

روزنامه "لالیره بلژیک" پرتیراژترین روزنامه صبح این کشور در شماره ۱۴ دسامبر خود در مقاله‌ای به موج اعدامهای سیاسی در ایران پرداخت.

لویی وان گیت دبیر کل حزب کمونیست بلژیک در رابطه با اعدامهای اخیر ایران نامه‌ای به وزیر امور خارجه این کشور نوشت و خواهان اقدام دولت بلژیک در جهت متوقف کردن فوری این سرکوب خونین شد.

همچنین اریک رماکل رهبر سازمان جوانان کمونیست بلژیک در نامه‌ای خطاب به وزیر خارجه

سوئد

اقدام اعتراضی

ایرانیان مقیم سوئد سوال

یکی از دبیران مدرسه خبرنگاری از یک روزنامه به محل آمد و مصاحبه‌ای با یکی از ایرانیان ترتیب داد. خبر این حرکت در شماره بعد روزنامه درج شد.

اقدامات اعتراضی هموطنان در سوئد بازتاب گسترده‌ای داشته است. عکس‌زیر بر گرفته از یکی از روزنامه‌های سوئد است که یکی از اجتماعات

اعتراضی ایرانیان را نشان می‌دهد.

در روز ۹ دسامبر ۱۹۸۸، همدای از ایرانیان مقیم شهر سوئد سوال سوئد که در مدرسه بزرگ لندن به آموزش زبان سوئدی مشغولند، از حضور در محل کلاسها خودداری کردند و با تهیه پلاکار دو نصب تصویری از یک گور جمعی و شعارهایی به زبان‌های سوئدی و فارسی در محوطه مدرسه دست به تظاهرات زدند. ساعتهای پس از شروع تظاهرات، با اطلاع تلفنی



دانمارک

اقدامات اعتراضی ادامه دارد

برابر سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. در قطعنامه تظاهرات آمده است: "یکی از حربه‌های موثر در بازداشتن جمهوری اسلامی از ادامه کشتارها و نقض خشن حقوق بشر در ایران، تلاش در به‌انزواکشاندن این رژیم جنایتکار با فشارهای سیاسی و اقتصادی به آن است. ما می‌خواهیم مردم دنیا بدستی از جنایات هولناکی که در بقیه در صفحه بعد

در "اکثریت" شماره ۲۳۹، خبر تظاهرات ۱۶ دسامبر جمعی از ایرانیان به سوی سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ را درج کردیم. از دانمارک خبرهایی در مورد اقدامات دیگر هموطنانمان به دست ما رسیده که به قرار زیر است:

در روز جمعه ۹ دسامبر تظاهرات اعتراضی گسترده‌ای با شرکت چند صد نفر از ایرانیان در

تظاهرات علیه اعدامهای جمعی

خبرنگاران در روزنامه با حضور در محل تظاهرات استادهای، با چند تن از سازماندهان تظاهرات مصاحبه‌هایی انجام دادند.

روزنامه "ریزوس پاستیس" ارگان حزب کمونیست یونان گزارش‌هایی در مورد کشتارهای اخیر در زندانهای ایران و نیز عکس‌هایی از یک گور جمعی در خاوران را چاپ کرده است.

یکی از خیابانهای مرکزی آتن پایتخت یونان در روز جمعه ۱۶ دسامبر شاهد تظاهرات جمعی از دانشجویان و پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم این کشور علیه اعدامهای جمعی در ایران بود. تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه و خواندن متن‌هایی از بلندگو، توجه رهگذران را به جنایات هولناکی که اخیراً در زندانهای ایران صورت گرفته است جلب می‌کردند.

جلوه‌هایی از ...

ایران روی می‌دهد آگاهی یابد. در روز دوم دسامبر نیز گروه بزرگی از ایرانیان با تحصن در برابر پارلمان دانمارک خواستار ملاقات با نمایندگان احزاب سیاسی این کشور جهت محکومیت جمهوری اسلامی شدند. نمایندگان تحصن، با حضور در پارلمان و ملاقات با نمایندگان احزاب، به انشای جنایات رژیم خمینی در زندانها پرداختند. در روز ششم دسامبر گروهی از ایرانیان با اجتماع در برابر وزارت امور خارجه دانمارک به مسافرت

معاون وزیر امور خارجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به دانمارک اعتراض کرده خواهان محکومیت قتل عام زندانیان سیاسی ایران از سوی دولت دانمارک شدند. در روز هفتم دسامبر اقدام اعتراضی دیگری در برابر ساختمان رادیوی دانمارک به دلیل عدم انتشار اخبار جنایات خمینی از سوی رسانه‌های گروهی دانمارک برگزار شد. اقدامات اعتراضی در دانمارک توسط "هیات موسس جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران" سازماندهی می‌شود.

آمریکا

راهپیمایی به سوی کاخ سفید

نامه‌ای از بستگان زندانیان سیاسی پخش می‌شد. در این نامه از مردم خواسته شده است با نوشتن نامه به مسئولان جمهوری اسلامی خواهان "قطع اهدامها، اجازه ملاقات خانواده‌ها با بستگان زندانی خود و داشتن رفتار انسانی با زندانیان" شوند. روزنامه واشنگتن پست در شماره ۱۹ دسامبر خود در مقاله‌ای به موج اهدامهای اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی اشاره کرده است.

در روز شنبه ۱۷ دسامبر به دعوت "کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران" یک راهپیمایی در اعتراض به کشتار اخیر در واشنگتن پایتخت آمریکا برگزار شد. این راهپیمایی از یکی از میدانهای اصلی شهر آغاز و به مقابل کاخ سفید ختم شد. شرکت کنندگان در راهپیمایی شعار می‌دادند: "قتل عام زندانیان سیاسی را قطع کنید! به شکنجه‌ها پایان دهید!" در طول راهپیمایی، ترجمه

تظاهرات

در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

روز ۱۵ دسامبر در شهر لس‌آنجلس به دعوت ائتلاف بین‌المللی حقوق بشر (که برگزارکننده کنفرانس حقوق بشر در این شهر بود) تظاهراتی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در برابر ساختمان فدرال لس‌آنجلس برگزار شد. در این تظاهرات که با شرکت "کمیته صلح و دموکراسی در ایران" و "کمیته همبستگی

بامردم ایران" صورت گرفت شماری از ایرانیان و شهروندان آمریکایی حضور یافتند. لیندالاتز مسئول سازمان سراسری "کمیته دوستان آمریکایی" در این تظاهرات طی سخنانی، همبستگی خود و سازمانش را با زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده، خواهان لغو فوری کلیه احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی ایران شد.

محکومیت جمهوری اسلامی

در کنفرانس حقوق بشر

روزهای در محل کالج شهر لس‌آنجلس آمریکا برگزار گردید. در این کنفرانس، علاوه بر سخنرانی

به مناسبت گرامیداشت چهلین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنفرانس یک

مارک کوپر، نویسنده و روزنامه‌نگار ترقیخواه، جمعی از سخنرانان از کشورهای فلسطین، کره جنوبی، ایران، پورتوریکو، آفریقای جنوبی، فیلیپین، کشورهای آمریکای لاتین و ایالات متحده شرکت داشتند. سخنران ایرانی که از سوی "کمیته صلح و دموکراسی در ایران" سخن می‌گفت، به تاریخچه مختصری از لگدمال شدن حقوق بشر در ایران در زمان حکومت شاه و خمینی، نقش دولت آمریکا در همکاری با

انشای جنایات خمینی

در تظاهرات سالگرد قیام خلق فلسطین

پخش شد، همسایه بزرگ شده اجساد زندانیان سیاسی در گورهای جمعی به معرض نمایش گذاشته شده بود و متون توضیحی پیرامون این جنایات فحیح بین شرکت کنندگان پخش شد. شرکت کنندگان در تظاهرات با مشاهده همسایه تنفر و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز کرده با امضای طومار و کارتهای اعتراضی، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند.

در تظاهرات بزرگی که با شرکت بیش از هزار نفر به مناسبت گرامیداشت و اعلام همبستگی با قیام یکساله خلق فلسطین در شهر لس‌آنجلس برپا شده بود، "کمیته صلح و دموکراسی در ایران" که از برگزارکنندگان این تظاهرات بود، به انشاگری در مورد اهدامهای جمعی در ایران پرداخت.

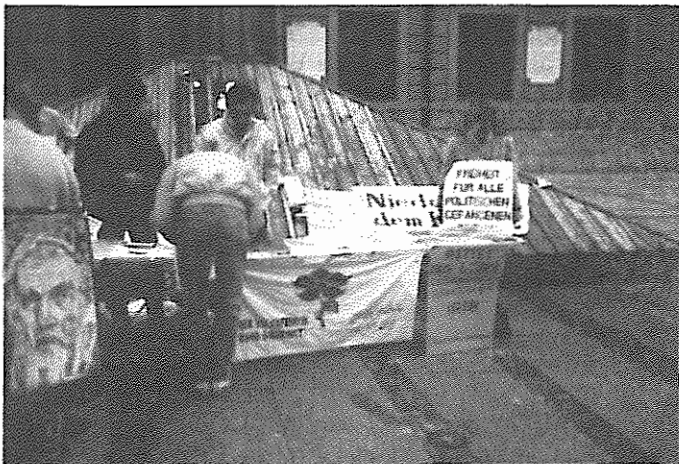
در این تظاهرات که گزارش آن از چندین کانال تلویزیونی و رادیویی لس‌آنجلس

آلمان فدرال

انشاگری در شهر مونیخ

رژیم خمینی را انشا کردند. رهگذران با زندانیان سیاسی ایران ابراز همبستگی کرده و اکثراً خمینی را به‌عنوان درنده‌خویی همچون هیتلر توصیف می‌کردند.

فدائیان خلق (اکثریت) در شهر مونیخ در روز ۲۶ نوامبر در یک نقطه پر رفت و آمد اجتماع کرده و با برپایی یک میز، حمل پلاکارهای متعدد، پخش وسیع اعلامیه و توضیحات شفاهی جنایات



رهگذران خمینی را با هیتلر مقایسه می‌کنند.

بنام بشریت به قتل عام اعتراض کنید!



قطعنامه پارلمان آلمان فدرال درباره اعدامهای اخیر ایران

ملل درباره اوضاع در ایران مبتنی است، رای مثبت دهد.

۴- پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می‌خواهد همچنان از نفوذ خود نزد دولت ایران استفاده کند، با این هدف که اعدامها و نقض حقوق بشر در ایران فوراً متوقف شود. همچنین از دولت فدرال آلمان می‌خواهد که بکوشد ایران به عنوان عضو سازمان ملل و پیمان بین‌المللی حقوق شهروندی و سیاسی برای تامین و حفظ حقوق بشر در ایران اعلام آمادگی کند.

۵- پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می‌خواهد که ترتیبی دهد که کماکان هیچ ایرانی تحت پیگرد سیاسی که در حال حاضر در جمهوری فدرال آلمان به سر می‌برد، به ایران اخراج نشود و در صورت لزوم، جمهوری فدرال آلمان مضمون و محتوای اصل ۱۶ قانون اساسی را برای تعقیب شدگان سیاسی از ایران نیز رعایت و اجرا کند.

طرح قطعنامه فوق به امضای آلفرد درگر، تئو وایگل، هانس - یوخن فوگل و ولفگانگ میشنیک روسای سه فراکسیون نامبرده در بالا رسیده بود و به اتفاق آرا به تصویب پارلمان آلمان فدرال رسید.

به درخواست فراکسیونهای احزاب سوسیال دمکرات، سوسیال مسیحی، دمکرات مسیحی و دمکرات آزاد در بوندستاگ (پارلمان) آلمان فدرال، این مجلس در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ قطعنامه‌ای درباره اعدامهای اخیر در ایران تصویب کرد که متن آن به دست ماریسیدو از قرار زیر است:

۱- پارلمان آلمان فدرال اخیراً اخبار متعددی درباره شمار زیادی از اعدامها در ایران دریافت کرده است. پارلمان آلمان فدرال همه اعدامها به دلایل سیاسی را محکوم می‌کند و از ایران می‌خواهد به صدور احکام اعدام و اجرای آن به دلایل سیاسی، پایان دهد.

۲- پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می‌خواهد همچنان از دولت ایران خواستار دادن امکان به فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای کسب اطلاع از اوضاع ایران با حضور در محل شود.

۳- پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می‌خواهد در سازمان ملل متحد به قطعنامه در مورد ایران که بر گزارش مامور ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان

اهدام زندانیان سیاسی به ما می‌رسد. بنام بشریت تقاضا داریم: علیه کشتار جمعی زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کنید!

در این اعلامیه بر خواسته‌های زیر تاکید شده است:

۱- قطع کشتار زندانیان سیاسی و آزادی بی‌قید و شرط آنها

۲- لغو احکام اعدام

۳- گزارش شفاهی کامل رادیو، مطبوعات و تلویزیون آلمان فدرال در مورد جنایات حکومت ایران.

۴- افعال فشار همه دولتها و به ویژه آلمان فدرال بر دولت ایران تا هنگام بازرسی گورهای جمعی توسط هیات‌های مستقل بین‌المللی.

جمعی از پناهندگان سیاسی ایرانی در شهر کوبورگ آلمان فدرال در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در مرکز شهر گردآمدند و ضمن تظاهراتی ایستاده، به پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی در اعتراض به فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران پرداختند. خبر این اقدام در روزنامه 'نویه پرسه' درج شد.

در اعلامیه‌ای به امضای پناهندگان سیاسی ایرانی در کوبورگ آمده است:

'تا حد زیادی بدور از توجه افکار عمومی، در روزها و هفته‌های اخیر هزاران تن از زندانیان سیاسی در ایران اعدام شدند... هر روز اخباری از دستگیری‌های جدید، شکنجه و

اعتراض مقامات محلی شهر او فن بورگ

بورگ آمده است در اینجا نقض حقوق بشر آنچنان خشن است که تنها شدیدترین اعتراضات ملنی کارساز است... بالاترین معیار برای ما باید حقوق بشر باشد.

افشای جنایات رژیم خمینی در شهر اولتسن

در روز ۱۰ دسامبر در گردمایی برگزار شده از سوی سازمان ملل چند تن از ایرانیان مبارز مقیم این شهر افشاکری موثری از رژیم جمهوری اسلامی از طریق قرائت یک بیانیه و پخش اعلامیه به عمل آوردند که توجه همه حضار را برانگیخت و در روزنامه محلی شهر به تفصیل بازتاب یافت.

مقامات محلی شهر او فن بورگ در جنوب آلمان فدرال، از جمله دکتر هانس یواخیم فلیدتر رئیس انجمن شهر، در نامه‌ای به وزیر خارجه آلمان فدرال به سفرکنش به ایران اعتراض کردند. در نامه اعتراضی رئیس انجمن شهر او فن

تظاهرات

در مونسترلند

جمعی از دانشجویان و پناهندگان مقیم مونسترلند در شهر مونستر همراه با عده‌ای از آلمانی‌ها و ترکهای آزادیخواه در روز ۹ دسامبر در حالیکه مشعل‌های برافروخته در دست داشتند، یک آکسیون اعتراضی برپا کردند که ۲۰ نفر از نئونافشیتها قصد برهم زدن آن را داشتند. همین امر توجه بیشتری را برانگیخت و موجب افشای بیشتر رژیم خمینی شد.

کانادا

آزادیخواهان!

نگذارید جنایات ادامه یابد!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کانادا فهرستی از اسامی برخی از زندانیان سیاسی اعدام شده در کشتار اخیر را به ضمیمه اعلامیه‌ای در اختیار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی این کشور قرار داده‌اند. در اعلامیه مزبور آمده است:

'رژیم جنایتکار ایران بدون کشتار نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. بلافاصله پس از آتش‌بس میان ایران و عراق، دولت ایران آفاقاً به ارتکاب جنایات هولناک علیه زندانیان سیاسی کرد.

هزاران آزادیخواه از هنگام برقراری آتش‌بس در زندانها اعدام شده‌اند. نام برخی از قربانیان فاش شده است. آزادیخواهان! نگذارید جنایات ادامه یابد! از مردم ایران در مبارزه برای صلح، دمکراسی و پیشرفت حمایت کنید!

هواداران سازمان همچنین با شرکت در کنفرانس شهری حزب کمونیست کانادا در تورنتو، توجه حضاران را به فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران جلب کردند.

نگاهی به زمینه‌ها و چگونگی اعتصاب بزرگ زحمتکشان اسپانیا

بزودی حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا کنگره وحدت خود را برگزار خواهند کرد. وحدت دو حزب قطعاً گام مهمی در جهت تقویت جنبش کارگری اسپانیا خواهد بود. این جنبش با برگزاری تظاهرات و اعتصاب عظیم هشت میلیونی ماه دسامبر، صلابت خود را به معرض نمایش گذاشت.

همانگونه که در "اکثریت" شماره ۲۳۸ گزارش دادیم، در روز چهارشنبه ۱۴ دسامبر، اعتصاب عمومی سراسر اسپانیا را فراگرفت. این اعتصاب توسط دو سندیکای کارگری عمده این کشور، یعنی کمیسیون کارگری، سندیکایی که تحت رهبری کمونیست‌هاست، و اتحادیه عمومی زحمتکشان، سندیکای سوسیالیستی تدارک دیده شده بود. آخرین اعتصاب عمومی مشترک این دو سندیکا پیش از اعتصاب اخیر، در سال ۱۹۳۴ پیش از به قدرت رسیدن فرانکو برگزار شده بود. در اعتصاب اخیر، اتحادیه‌ها با شعار "چرخش اجتماعی" به مصاف سیاست‌های ضدکارگری دولت گونزالس نخست‌وزیر سوسیالیست اسپانیا رفتند. جالب اینجاست که اتحادیه عمومی زحمتکشان برای نخستین بار علیه دولت سوسیالیست با کمیسیون کارگری دست به اتحاد عمل زد.

اسپانیا پس از مرگ فرانکو

پس از مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۵ و فروپاشی نظام فاشیستی حکومتی، تغییرات مهمی در حیات اجتماعی - سیاسی اسپانیا رخ داد. سلطنت مشروطه به نظام سیاسی کشور تبدیل شد. در این نظام اختیارات حکومتی در دست پارلمان و نخست‌وزیر متمرکز است. نخستین دولت اسپانیا به رهبری آدولفو سوارز رهبر "اتحاد دمکراتیک میانه" به تثبیت نهادهای دمکراسی بورژوازی پرداخت. حزب کمونیست اسپانیا در سال ۱۹۷۷ قانونی شد و در انتخابات ۱۹۷۸ به ۲۳ کرسی دست یافت. سوسیالیست‌ها در دوره حکومت سوارز تبلیغات خود را روی شعارهایی در دفاع از بهبود

وضع زحمتکشان و مبارزه با بیکاری متمرکز کردند. اما وقتی در سال ۱۹۸۲، سوسیالیست‌ها اکثریت مطلق را در انتخابات بدست آوردند و اقدام به تشکیل دولت کردند، از این وعده‌ها چیزی باقی نماند. از هنگام تشکیل دولت گونزالس تاکنون ۸۰۰ هزار نفر دیگر بر شمار بیکاران اسپانیا افزوده شده است. آمار رسمی بیکاری به ۲۰ درصد می‌رسد که بالاترین رقم در اروپاست. سیاست سوسیالیست‌ها در دوره حکومت گونزالس متوجه بازسازی نظام اقتصادی براساس گسترش و مدرنیزه کردن سرمایه‌داری، تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بازکردن بازار اسپانیا به روی محصولات شرکت‌های مشترک بوده است.

عواقب اقدام اقتصادی در بازار مشترک

سوسیالیست‌ها بزرگترین موفقیت دوره حکومت خود را عضویت اسپانیا در بازار مشترک در سال ۱۹۸۶ می‌دانند. اما واقعیت اینست که باز شدن درهای اسپانیا به روی بازار اروپای غربی، صنایع و کشاورزی این کشور را در برابر رقبای قوی‌تر، بی‌دفاع کرده است. مهم‌ترین محصولات کشاورزی اسپانیا، از قبیل گوشت، روغن نباتی، پنیر، شراب، میوه و امثالهم با رقابت سخت محصولات فرانسوی، ایتالیایی، هلندی، دانمارکی و غیره روبرو هستند. چندی پیش اعلام شد که کمپانی آلمانی فولکس‌واگن، ۵۱ درصد سهام کارخانه اتومبیل‌سازی "سئات" اسپانیا را خریداری کرده است.

مجموعه این شرایط زندگی زحمتکشان را بسیار دشوار کرده است. امروز در اسپانیا ۸ میلیون نفر با درآمدی کمتر از ۱۴ هزار پستا در ماه زندگی می‌کنند. این درحالی‌است که حداقل قانونی حقوق، ۴۴ هزار پستا است که این خود پاسخگوی نیازهای اقتصادی زحمتکشان نیست.

انگیزه‌های مستقیم اعتصاب

در ماه نوامبر سال جاری، دولت اسپانیا طرح تازه‌ای در زمینه اشتغال جوانان تصویب

کرد. براساس این طرح، سرمایه‌داران می‌توانستند جوانان فاقد تجربه کار کمتر از ۲۵ سال را با دستمزدی در حدود نصف حداقل دستمزد رسمی (برای سنین کمتر از ۱۸ سال)، بدون قرارداد کار و در شرایطی که هزینه بیمه کار آنها توسط خود دولت پرداخت می‌شود، استخدام کنند. این طرح، اعلان جنگ به حقوق زحمتکشان بود که طی سال‌ها مبارزه به دست آمده است. در صورت اجرای این طرح، ارتش ذخیره ارزان قیمتی از نیروی کار برای سرمایه‌داران ایجاد می‌شود و این خود بر عواقب وخیم بیکاری می‌افزاید. تأثیرات درازمدت طرح مزبور، تضعیف شدید اتحادیه‌های کارگری می‌بود. نمایندگان سرمایه‌داران اقدام دولت اسپانیا را "معقول" و "مثبت" ارزیابی کردند.

بلافاصله پس از اعلام طرح، موج اعتراض همه سازمان‌های جوانان، سراسر اسپانیا را فراگرفت. تنها سازمان جوانان سوسیالیست از این طرح حمایت کرد. "طرح اشتغال جوانان" تبدیل به عامل عمده‌ای در طرح مسئله اعتصاب عمومی شد. هر چند اهداف اعتصاب تنها به رد این طرح محدود نبود. تماس‌های دو اتحادیه عمده سندیکایی افزایش یافت و بررسی اقدام مشترک اعتراضی در دستور قرار گرفت. سرانجام مذاکرات به ثمر رسید و دعوت مشترک به اعتصاب عمومی اعلام شد. این دعوت بلافاصله از سوی سندیکاهای کوچکتر مورد حمایت قرار گرفت. اهداف اعتصاب علاوه بر رد "طرح اشتغال جوانان"، افزایش سطح درآمد شاقان و بازنشستگان براساس رشد سالانه قیمت‌ها و تغییر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت بود.

تلاش برای حقیق گذاشتن اعتصاب

واکنش حزب سوسیالیست و شخص گونزالس در مقابل اعلام اعتصاب، از همان ابتدا بسیار تند بود. فلیپه گونزالس در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت اتحادیه زحمتکشان، جانب سوسیالیست‌ها را رها کرده، و با "سرخصا" متحد شده است. وی افزود حزب و دولت

سوسیالیست، از همه امکانات خود برای به شکست کشاندن اعتصاب استفاده خواهند کرد و خواهند کوشید اقتصاد کشور در روز اعتصاب به جریان طبیعی خود ادامه دهد. رهبری حزب سوسیالیست فشار تبلیغاتی و روانی زیادی را به منظور جدا کردن اتحادیه‌های کارگری سوسیالیست و کمونیست وارد آورد.

اما تلاش گونزالس به ثمر نرسید. هر روز که گذشت، تشکلهای کارمندی و کارگری جدیدی از اعتصاب حمایت کردند. علاوه بر آنها، جوامع و محافل مترقی هنرمندان، نویسندگان، روشنفکران، سازمانها و انجمن‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، حتی انجمن بازیکنان حرفه‌ای فوتبال از اعتصاب عمومی حمایت کردند.

موفقیتی کامل

راس ساعت ۱۲ نیمه شب، در حالیکه گوینده اخبار تلویزیون، خبرها را می‌خواند، برنامه تلویزیون قطع و اعتصاب عظیم اسپانیا آغاز شد. صبح روز ۱۴ دسامبر، خیابانهای ماد رید و سایر شهرهای مهم اسپانیا خلوت و همه جا تعطیل بود. آنجا که جمعیتی دیده می‌شد، کارگران و کارکنانی بودند که با حضور در مقابل محل کار خود می‌خواستند از باز شدن آن جلوگیری کنند. کارخانه‌ها، شرکتها، موسسات تولیدی، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما، تئاترها، رستورانها، اماکن تفریحی و حتی دادگاه‌ها تعطیل بود.

ابعاد اعتصاب، آنچنان گسترده بود که حتی سخن از انحلال مجلسین و انتخابات پیش رس بمیان آمد. بیش از ۹۰ درصد زحمتکشان در اعتصاب اسپانیا شرکت کردند. خسارات ناشی از اعتصاب حدود ۳/۷ میلیارد دلار تخمین زده شد.

جنبش کارگری اسپانیا بی‌گمان به یکی از ارزشمندترین تجربیات و چشمگیرترین پیروزی‌های خویش در طول ده‌ها سال مبارزه دست یافته است. بدون شک اسپانیا در آینده نیز میدان قدرت نهایی زحمتکشان متشکل و متحد خواهد بود.

آمریکادو هواپیمای لیبی را سرنگون کرد

در فاصله ۷۰ مایلی سواحل لیبی و بر فراز آبهای بین‌المللی، هواپیمای جنگی اف-۱۴ آمریکایی که از ناو هواپیمابر "جان اف کندی" برخاسته بودند، ظهر روز چهارشنبه چهارم ژانویه دو جنگنده میگ ۲۳ لیبی را سرنگون کردند. به اعتراف دولت آمریکا، این هواپیمای لیبی اقدامی در جهت حمله به هواپیمای آمریکایی نکرده بودند. تنها بهانه ارائه شده از سوی پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا در توجیه این عمل راهزانه، این بوده است که هواپیمای لیبیایی، "رادار حمله" خود را روشن کرده بودند.

همانگونه که در شماره گذشته نشریه گزارش دادیم، بدنبال سقوط هواپیمای جموجت پان آمریکن در اسکاتلند، رسانه‌های غربی برخی اخبار مبتنی بر دخالت ادعایی لیبی در این ماجرا منتشر کردند. همچنین بطور همزمان با این واقعه، دولت آمریکا تبلیقاتی را در مورد احداث یک کارخانه شیمیایی در لیبی به راه انداخت و

مدعی شد که در این کارخانه اسلحه شیمیایی تولید می‌شود. این زمینه‌سازی‌ها نشانگر آن است که ایالات متحده، به عمد و با نقشه قبلی دست به تحریک جدیدی در دریای مدیترانه زده است.

در تابستان سال ۱۹۸۱ نیز هواپیمای جنگی آمریکادو هواپیمای نظامی لیبی را بر فراز مدیترانه هدف قرار داده و سرنگون کردند. در سال ۱۹۸۶، حمله جایتکارانه هوایی ارتش آمریکا به طرابلس و بن قازی دو شهر اصلی لیبی صورت گرفت که طی آن ۲۱ غیرنظامی کشته شدند.

اقدام راهزانه جدید آمریکا، اعتراض جهانیان را برانگیخت. اتحاد شوروی این اقدام را مقایسه با کوشش‌های بین‌المللی برای تشنج زدایی و به‌ویژه حل بحران خاور نزدیک دانست و آن را محکوم کرد. در شورای امنیت سازمان ملل، به درخواست لیبی موضوع حمله آمریکا مورد بحث قرار گرفته است.

دستگیری چهار تن از رهبران حزب کمونیست شیلی

دسامبر ۱۹۸۸ منتشر شد، بهانه قرار داده، کمونیست‌های دستگیر شده را محاکمه کنند. شمار زیادی از طرفداران حزب کمونیست شیلی در جریان بازپرسی از چهار رهبر دستگیر شده حزب در ساختمان دادگستری، در برابر این ساختمان گردآمده و با فریادهای "زنده باد حزب کمونیست شیلی!" علیه رژیم پینوشه دست به تظاهرات زدند.

به گزارش روزنامه "اپوکا"، ۲۲ تن از کادرهای حزب کمونیست شیلی در معرض خطر محاکمه به جرم نقض اصل ۸ قانون اساسی پینوشه قرار دارند. طبق این اصل، هرگونه تبلیغ مارکسیستی جرم محسوب می‌شود.

چهار تن از رهبران حزب کمونیست شیلی به نام‌های میریا بالتر، آمریکو زوربلا، (هر دو از وزرای کابینه آینده) گیلرمو شرینگ و خوزه سان فونتس، در روز دوشنبه دوم ژانویه در سانتیاگو دستگیر شدند. اتهام آنها، فراخوان به سرنگونی رژیم پینوشه است. سان فونتس، که سخنگوی حزب کمونیست شیلی و دبیر کل "چپ متحد" است، اقدام به دستگیری خود و سه رفیق دیگرش را تلاش برای جلوگیری از شرکت کمونیست‌ها در حیات سیاسی شیلی دانست.

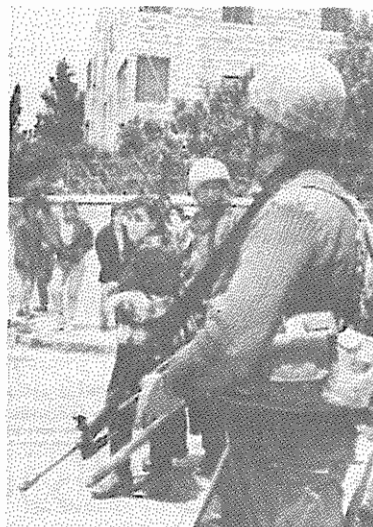
مقامات قضایی رژیم پینوشه، با استناد به "قانون امنیت داخلی" می‌خواهند فراخوان تدارک‌کنگره حزب کمونیست شیلی را که اوایل

باز هم سرکوب خونین تظاهرات در مناطق اشغالی فلسطین

در ایام هید میلاد مسیح و حلول سال ۱۹۸۹ نیز مناطق اشغالی فلسطین که مسیحیان آن را زادگاه مسیح می‌دانند، شاهد تظاهرات گسترده مردم فلسطین و اقدامات سرکوبگرانه صهیونیست‌ها بود.

در روزهای تعطیلات سال نو، سه فلسطینی توسط سربازان صهیونیست به قتل رسیدند و ۱۹ تن مجروح شدند. در نزدیکی رام‌الله یک فلسطینی ۱۸ ساله و در نابلس یک جوان ۲۲ ساله به ضرب گلوله سربازان ارتش اسرائیل کشته شدند. یک نوجوان ۱۴ ساله که در ۶ دسامبر مجروح شده بود، در بیمارستانی در شرق بیت‌المقدس درگذشت.

در اول ژانویه، سالگرد تاسیس الفتح، مردم کرانه غربی رود اردن و نوار غزه تظاهراتی علیه اشغالگران برپا کردند. هکس، صحنه‌ای از عملیات بگیرو بینه صهیونیست‌ها در رام‌الله را نشان می‌دهد.



سخنرانی کاسترو

در ساگر دانقلاب کوبا

سی‌امین سالگرد انقلاب کوبا، در جزیره آزادی با گردهمایی‌های باشکوهی جشن گرفته شد. در میتینگ اصلی بدین مناسبت که در شهر سانتیاگو کوبا برگزار شد، فیدل کاسترو رهبر این کشور به سخنرانی پرداخت. وی از جمله گفت: "در این لحظه سردرگمی، که انقلاب ما ارتجاع بین‌المللی و امپریالیسم را چنین به وحشت افکنده است، ما به مسئولیت بزرگی که در قبال خلقمان جهان داریم، واقفیم." کاسترو افزود و خلق کوبا همواره به اصول سوسیالیسم، مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و فادار خواهد ماند، و گفت: "ما تاکید می‌کنیم: سوسیالیسم یا مرگ، مارکسیسم-لنینیسم یا مرگ!"

کاسترو در سخنان خود خاطر نشان کرد: "ما کار و مبارزه می‌کنیم تا انقلابمان را هر روز بهتر، موثرتر و کامل‌تر سازیم." رهبر کوبا افزود علیه رزم خطاهای صورت گرفته و کاستی‌های موجود، با نیروی کنونی امکان‌پذیر خواهد بود که آنچه که تا به حال در دو یا سه سال ساختمان سوسیالیسم انجام شده است، در یک سال انجام گیرد.

کاسترو انقلاب ۱۹۵۹ را مهم‌ترین رویداد تاریخ کوبا دانست. وی گفت این انقلاب، پیروزی مبارزه صدساله خلق کوبا علیه استعمار استعمار امپریالیستی و دیکتاتوری بود.

از میان دیگر رویدادها

هند و پاکستان قراردادی امضا کردند که در آن دو طرف متعهد به خودداری از حمله نظامی به تاسیسات اتمی یکدیگر شده‌اند. این قرارداد در جریان نخستین دیدار گاندی و بوتو نخست‌وزیران دو کشور در حاشیه کنفرانس سران کشورهای عضو جامعه دولتهای جنوب آسیا در اسلام‌آباد به امضا رسید.

بازسازی مناطق مسکونی ویران شده در ارمنستان آغاز شد. مقامات شوروی اعلام کرده‌اند که خانه‌های جدید در این منطقه بیش از سه طبقه نخواهد داشت.

وزیر خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای گفت چشم‌انداز مساعدی برای حل مسئله کامبوج در سال ۱۹۸۹ وجود دارد. وی افزود در فاصله ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ در مجموع ۱۰۰ هزار نظامی داوطلب ویتنامی از کامبوج خارج شده‌اند. در سال ۱۹۸۸، ۵۰ هزار تن دیگر کامبوج را ترک کرده‌اند. ۵۰ هزار نفر باقی مانده، تا پایان سال ۱۹۹۰ به کشور خود باز خواهند گشت.

حزب کمونیست یونان و "حزب چپ یونان" که هر دو در پارلمان این کشور نماینده دارند، تصمیم به تشکیل جبهه متحدی گرفتند و اعلام کردند که برای تبدیل این جبهه به سنگ بنای اتحاد وسیع نیروهای چپ خواهند کوشید. نیروهای چپ در یونان درواکنش نسبت به رسوایی‌های مالی در دولت پاپاندرو خواهان استعفای نخست‌وزیر یونان شدند.

هشتمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا کشتار زندانیان سیاسی ایران را محکوم کرد

هشتمین کنفرانس نویسندگان آفریقا و آسیا که از تاریخ هشتم تا سیزدهم دسامبر در تونس برگزار شد، در قطعنامه پایانی خود رژیم جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر محکوم کرد.

رین العابدین بن علی رئیس جمهور تونس و یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در کاخ کنگره هاگشایش یافت. از ایران، فریدون تنکابنی نویسنده معاصر در کنفرانس تونس شرکت داشت. وی در نخستین روز کنفرانس به ایراد سخنرانی پرداخت و در نطق خود، به وضع زندانیان سیاسی، از جمله نویسندگان و هنرمندان زندانی، و به ویژه کشتارهای گسترده و جمعی اخیر زندانیان سیاسی ایران اشاره کرد و خواستار شد که کنفرانس، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر و کشتار زندانیان سیاسی، و از جمله کشتن نویسندگان و هنرمندان زندانی،

موضوعات مورد بحث در این کنفرانس که توسط مجمع نویسندگان آفریقا و آسیا برگزار شد، عبارت بود از: "زمان و نویسنده"، "نقش نویسندگان در مبارزه علیه سلاح‌های هسته‌ای"، "نقش مخرب قدرت‌های امپریالیستی در کشورهای آفریقایی و آسیایی"، "نویسنده" و "شکل‌های تبادل نظر و همکاری میان نویسندگان آفریقا و آسیا".

المؤتمن الثامن للشکامن
لاتحاد کتاب آسیا و آفریقا



HUITIEME CONGRES DES ECRIVAINS AFRO-ASIATIQUES
EIGHTH CONFERENCE OF AFRO-ASIAN WRITERS

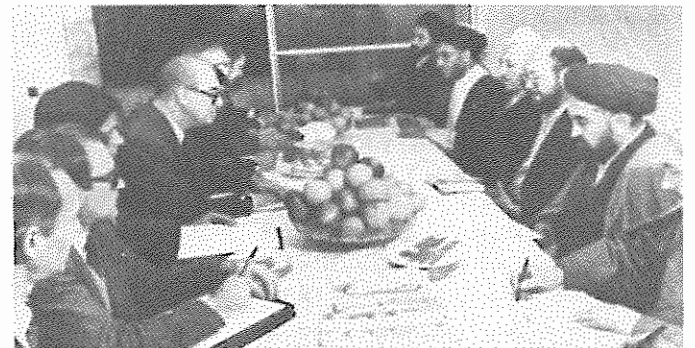
اکتفا نمی‌کند و به صدور تروریسم به کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای عربی و اسلامی، می‌پردازد. محکومیت رژیم خمینی در قطعنامه پایانی کنفرانس نویسندگان آفریقا و آسیا، بازتاب خشم و انزجار وجدان‌های بیدار از جنایات جمهوری اسلامی است.

محکوم کند. سخنان فریدون تنکابنی، نویسندگان آفریقایی و آسیایی و نیز نویسندگانی را که به عنوان میهمان از برخی از کشورهای اروپا در کنفرانس حضور داشتند، به شدت تحت تاثیر قرار داد و هم‌دردی و همبستگی همیق آنان را برانگیخت. تنکابنی در سخنان خود، با افشای جنایات جمهوری اسلامی، از نویسندگان و هنرمندانی مانند سعید سلطانپور، عطا نوریان، ابوتراب باقرزاده و رحمان هاتفی که توسط جمهوری اسلامی تیرباران شده‌اند، به عنوان گوشه‌ای از جنایات رژیم خمینی علیه فرهنگ و ادبیات میهن‌مان نام برد. وی به موج اخیر کشتار آزادیخواهان ایرانی در زندان‌ها پرداخت و افزود: "فاشیسم درنده‌خویی که این بار با چهره بنیادگرایی اسلامی به میدان آمده است، تنها به تاخت و تاز در ایران

مذاکرات معاون وزارت امور خارجه شوروی بانمایندگان اپوزیسیون افغانستان

مذاکره کرد. وی در هفته گذشته در تهران نیز با نمایندگان ائتلاف ۸ گانه گروه‌های افغانی مورد حمایت جمهوری اسلامی به گفتگو پرداخت و سپس تهران را به مقصد اسلام‌آباد (پاکستان) ترک کرد تا با نمایندگان ائتلاف ۷ گانه مستقر در پاکستان با دیگر ملاقات کند. خبرگزاری شوروی تاس در تفسیری می‌نویسد نمایندگان گروه‌های مورد حمایت رژیم خمینی، خواهان برقراری یک نظام "پلورالیستی" و "دمکراتیک" در افغانستان شده‌اند. بقیه در صفحه ۹

یولی وورونتسوف معاون وزیر خارجه و سفیر اتحاد شوروی در افغانستان، در هفته‌های اخیر سفرهای متعددی به کشورهای منطقه و نیز ایتالیا داشت تا در مورد اوضاع افغانستان با نمایندگان اپوزیسیون افغانستان دیدار و گفتگو کند. پس از ملاقات نخست وورونتسوف با نمایندگان ائتلاف هفتگانه مستقر در پیشاور (پاکستان) در شهر طائف عربستان سعودی، که خبر آن در شماره‌های قبل "اثریت" درج شده، وورونتسوف در ایتالیا با محمد ظاهر، پادشاه سابق افغانستان،



میات شوروی هم‌زایی به تهران به سرپرستی یولی وورونتسوف در مذاکره بانمایندگان گروه‌های افغانی مورد حمایت جمهوری اسلامی

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله
≈ ۲۴	≈ ۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
≈ ۵۸	≈ ۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
≈ ۱۱۵	≈ ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 240
MONDAY, 9 JAN, 89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!